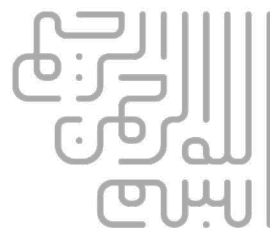


گزارش نظارتی عملکرد سازمان امور اجتماعی کشور در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۵/۶
Publish Date : 2026/07/28



عنوان: گزارش نظارتی عملکرد سازمان امور اجتماعی کشور در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

تهیه و تدوین (Author): فرشید خضری

واژه‌های کلیدی: سازمان امور اجتماعی، تنظیم‌گری، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهزیستی

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI:

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: گزارش نظارتی عملکرد سازمان امور اجتماعی کشور در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

نوع گزارش: طرح/ لایحه ☐، نظارتی ☒، راهبردی ☐، پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی)

اظهار نظر کننده: صابر جعفری کافی آباد

اظهار نظر کننده خارج از مرکز: رضا محبوبی (دکتری علوم اجتماعی)

ناظر علمی: ریحانه رحمانی‌پور

گرافیک و صفحه آرایی: سمیرا صادقی عسکری

ویراستار ادبی: -

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. روش‌شناسی.....	۱۰
۳. پیشینه.....	۱۰
۳-۱. سوابق مطالعاتی.....	۱۰
۳-۲. سوابق تقنینی به‌همراه آسیب‌شناسی.....	۱۱
۴. ساختار، اهداف و وظایف سازمان امور اجتماعی کشور.....	۱۳
۵. عملکرد سازمان امور اجتماعی در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی آن.....	۱۴
۵-۱. سیاستگذاری.....	۱۴
۵-۲. هماهنگی و هم‌افزایی.....	۱۹
۵-۳. بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه آسیب‌های اجتماعی.....	۲۸
۵-۴. نظارت و ارزیابی.....	۳۰
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۳۱
۶-۱. پیشنهادها.....	۳۴
منابع و مآخذ.....	۳۹

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۰
جدول ۲. تحلیل پیشینه تقنینی.....	۱۱
جدول ۳. ظرفیت‌های موجود و عمده اقدامات انجام شده در راستای سیاستگذاری ک.ک.آ.ا و چالش‌های آن.....	۳۱
جدول ۴. ظرفیت‌ها و اقدامات انجام شده در راستای هماهنگی نهادهای حوزه ک.ک.آ.ا و چالش‌های پیش‌رو.....	۳۳

فهرست شکل

شکل ۱. نمودار تفصیلی سازمانی سازمان امور اجتماعی کشور.....	۱۳
--	----

گزارش نظارتی عملکرد سازمان امور اجتماعی کشور در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

چکیده



روند افزایشی آسیب‌های اجتماعی و همچنین ضعف تنظیم‌گری در زمینه کنترل و کاهش آنها، به تأسیس سازمان امور اجتماعی منجر گردید. هدف از تشکیل این سازمان، پیگیری مصوبات شورای اجتماعی کشور و نظارت بر اجرای آنها در راستای تحقق امر تنظیم‌گری اجتماعی است. با وجود برخی از مزیت‌ها و اقدامات صورت گرفته توسط سازمان در راستای تحقق این تکالیف، بررسی‌ها نشان می‌دهد تنظیم‌گری حوزه آسیب‌های اجتماعی چندان محقق نشده است. چالش‌های درون و برون سازمانی زیادی در این عدم تحقق دخیل‌اند؛ از جمله تعدد نهادهای تنظیم‌گر و اجرایی در کشور، پشتوانه ضعیف قانونی مصوبات شورای اجتماعی، پرداخت نابهنگام و ناکافی اعتبارات توسط سازمان برنامه و بودجه، ضعف کار گروه‌های ایجاد شده برای هماهنگی و تغییر مداوم آنها، کم‌تعداد بودن نیروی انسانی متخصص در سازمان و دفاتر اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها. از سوی دیگر، دخیل کردن طیف وسیعی از سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد و تخصیص منابع به آنها از طریق اجرای برنامه‌های متعدد فوق‌العاده بدون مشخص کردن جایگاه برخی از این برنامه‌ها در نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی توسط سازمان به این ناهماهنگی دامن زده است. در راستای بهبود ظرفیت‌های تنظیم‌گری اجتماعی، توجه به بازآرایی نهادهای تنظیم‌گر و اجرایی و ادغام وظایف تنظیم‌گری در یک نهاد واحد و ارائه خدمات در چند نهاد اصلی همراه با تعیین وظایف آنها به صورت شفاف و غیرهم‌پوشان ضروری است. همچنین، حمایت جدی از بخش مردم‌نهاد بر اساس برنامه‌ای منسجم و تقویت جایگاه قانونی آنها، تخصیص به موقع و متناسب اعتبارات و نظارت مستمر و مؤثر مجلس شورای اسلامی، از جمله موارد کلیدی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.



بیان / شرح مسئله

باتوجه به تأثیر پذیری آسیب‌های اجتماعی از سطوح و زمینه‌های مختلف و ماهیت بین‌بخشی رسیدگی به آنها، ایجاد نظامی یکپارچه، راهبردی کلیدی برای کنترل و کاهش آنها محسوب می‌شود. در ایران، علی‌رغم اذعان به این ضرورت، چنین نظامی به‌شکل مطلوب استقرار نیافته و نهادهای متعددی، اغلب با پراکندگی و فقدان هم‌افزایی، درگیر برنامه‌ریزی و اجرای آنها هستند. این وضعیت، ضرورت تأسیس سازمان امور اجتماعی را به‌عنوان نهادی تنظیم‌گر ایجاب نمود. هدف از تشکیل این سازمان، پیگیری مصوبات شورای اجتماعی کشور و نظارت بر فرایند اجرایی آنها، به‌منظور تحقق امر تنظیم‌گری حوزه اجتماعی است. براین اساس، این گزارش به بررسی و ارزیابی عملکرد سازمان مذکور در قبال اهداف تعیین شده، با تأکید بر نقش آن در تنظیم‌گری حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، می‌پردازد.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

اهم اقدامات سازمان امور اجتماعی در راستای ایفای اهداف تعیین شده در سه حوزه سیاستگذاری، هماهنگی و نظارت به شرح ذیل است:

۱- سیاستگذاری: این حوزه شامل تدوین اسناد راهبردی و برنامه‌های عملیاتی در سطح ملی و تصویب آنها در شورای اجتماعی کشور بوده است. از برجسته‌ترین اقدامات می‌توان به این موارد اشاره کرد: رصد وضعیت اجتماعی کشور، تدوین سند سلامت اجتماعی (۱۳۹۸)، تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۹)، تدوین و تصویب آیین‌نامه پیوست اجتماعی در طراحی برنامه‌های کلان توسعه‌ای (۱۳۹۹)، تدوین پنجمین برنامه ملی استراتژیک کنترل عفونت اچ‌آی‌وی/ایدز (۱۳۹۹)، تدوین برنامه ملی پیشگیری از خودکشی (۱۴۰۱)، بازنگری و به‌روزرسانی سند ملی پیشگیری، مقابله، درمان، کاهش آسیب و توانمندسازی مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی (۱۳۹۹) و سیاستگذاری به‌منظور اجرای برنامه‌های فوق‌العاده در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی.

۲- هماهنگی و انسجام‌بخشی: اقدامات شاخص در این حوزه عبارت‌اند از: ایجاد کارگروه‌های موضوعی و تخصصی به‌منظور تسهیل تصمیم‌گیری و هماهنگی‌های لازم، تهیه طرح تقسیم کار ملی کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۵)، تدوین برنامه‌های بین‌دستگاهی و شکل‌دهی به ائتلاف‌های بین‌بخشی برای اجرای آنها، انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری، بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و تلاش در جهت توانمندسازی آنها.

۳- نظارت: عمده اقدامات این حوزه تلاش در جهت نظارت بر اجرای آیین‌نامه‌ها و مصوبات شورای اجتماعی کشور توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، تهیه گزارش‌های تحلیلی از روند اجرای تکالیف و راستی‌آزمایی تحقق اهداف از طریق رصد و پیگیری اعتبارات تخصیص یافته بوده است.

علی‌رغم برخی مزیت‌ها و اقدامات صورت گرفته توسط سازمان در راستای تنظیم‌گری، بررسی‌ها حاکی از آن است که اهداف کلیدی در این حوزه، به‌طور مطلوب محقق نشده است. مجموعه‌ای از چالش‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در این عدم تحقق به این شرح دخیل بوده‌اند.

چالش‌های برون‌سازمانی

۱- پراکندگی و موازی‌کاری نهادی:

– **تعدد نهادهای تنظیم‌گر:** وجود نهادهای متعدد تنظیم‌گر، پتانسیل انسجام سیاستگذاری و هدایتگری منسجم را کاهش داده است. برای مثال بین سازمان امور اجتماعی، ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان برنامه و بودجه به‌دلیل تداخل وظایف، در امر تنظیم‌گری اختلاف وجود دارد.

– **تعدد نهادهای اجرایی و برنامه‌ها:** این تعدد به پراکنده شدن منابع و مداخلات، تعیین نقش برای نهادهای غیرمتولی و دشوار شدن هماهنگی و هم‌افزایی منجر شده است.

۲- ضعف چارچوب‌های قانونی و حمایتی:

– **پشتوانه ضعیف قانونی مصوبات شورای اجتماعی:** فقدان ضمانت اجرایی کافی برای مصوبات شورا، اثربخشی آنها را کاهش داده است.



- فقدان قانون واحد در بخش سازمان‌های مردم‌نهاد: نبود چارچوب قانونی جامع برای سازمان‌های مردم‌نهاد، به سردرگمی و تعدد نهادهای تنظیم‌گر این بخش دامن زده است.

- عدم تجهیز سازمان امور اجتماعی به ابزارهای کافی تنظیم‌گری.

۳ چالش‌های مربوط به سطوح سیاستگذاری و اجرایی:

- زیست‌بوم نبودن برنامه‌های کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی: این امر نتیجه تمرکز سیاستگذاری در سطح ملی و ضعف کارگروه‌های استانی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی است.

- وجود دغدغه‌های متعدد منطقه‌ای و به حاشیه رفتن امور اجتماعی در استانداری‌ها.

- پرداخت با تأخیر و دیر از موعد و ناکافی اعتبارات: تأمین مالی نامناسب از سوی سازمان برنامه و بودجه، اجرای مؤثر برنامه‌ها را با چالش مواجه کرده است.

- تغییرات بسیار گسترده نیروهای مدیریتی و کارشناسی حوزه اجتماعی کشور.

- تحمیل برخی از امور اجرایی کشور در حوزه‌های غیر مرتبط با مسئله تنظیم‌گری اجتماعی به سازمان امور اجتماعی کشور مانند موضوع سامان‌دهی سواحل کشور.

چالش‌های درون سازمانی:

۱ ضعف در مبانی مفهومی و راهبردی سیاست‌ها: عمده چالش‌های این حوزه عبارت‌اند از: ضعف انسجام مفهومی در دسته‌بندی آسیب‌های اجتماعی در طرح تقسیم کار ملی و تشخیص نادرست در تعیین برخی مصادیق آسیب‌های اجتماعی، تعیین دستگاه‌های مختلف برای کنترل و کاهش آنها، ضعف آینده‌نگری در مواجهه با مسائل و آسیب‌های اجتماعی نوظهور و عدم سیاستگذاری برای برخی از آنها و در نهایت تبدیل نشدن بسیاری از مطالعات به سیاست اجتماعی و سیاست‌ها به برنامه اقدام.

۲ چالش در برنامه‌ریزی و اجرا: برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌های متعدد فوق‌العاده، بدون تعیین جایگاه روشن برخی از آنها در نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی؛ شکل‌گیری غیرعلمی کارگروه‌های پرشمار موضوعی و تخصصی، تغییرات مداوم و صوری شدن آنها و عدم شکل‌گیری پایدار ائتلاف‌های جمعی یا فروپاشی آنها که به ضعف برنامه‌ریزی منسجم در سطح جمعی منجر شده است.

۳ ناپایداری مدیریتی و محدودیت منابع انسانی در سازمان: کم‌تعداد بودن نیروی انسانی متخصص در سازمان و دفاتر اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها و تغییرات سریع و دائمی مدیران به عدم ثبات سیاست‌ها و برنامه‌ها منجر شده است. همچنین در سازمان جابه‌جایی نیروهای سازمانی و عدم ثبات پست‌های کارشناسی، مانع انباشت تجربه و پیگیری بلندمدت سیاست‌ها و همچنین پیگیری مصوبات شورای اجتماعی توسط سازمان شده است.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

برای کارآمدی سیاست‌های اجتماعی، لازم است رویکرد حاکمیت چندسطحی مورد توجه قرار گیرد. در این رویکرد تعیین یک نهاد معین تنظیم‌گر اجتماعی در سطح ملی برای تعیین راهبردها، خطوط کلی، استانداردهای عملکرد و اهداف کلان امور اجتماعی از جمله کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ضرورت دارد. لذا اگر شورای اجتماعی کشور به عنوان نهاد تنظیم‌گر تعیین شده است، لازم است همه برنامه‌های حوزه اجتماعی در تمام دستگاه‌ها در آن تجمیع شود. هم‌زمان، باید اختیارات لازم برای انطباق و تدوین برنامه‌ها متناسب با مختصات، بافت اجتماعی - فرهنگی و اولویت‌های بومی هر منطقه، به سطوح اجرایی منطقه‌ای و محلی تفویض گردد. افزون بر این، سایر راهبردهای حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی شامل تأمین حمایت‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی، خدمات سلامت جسمی و روانی، و معاضدت‌های حقوقی باید میان چند نهاد تخصصی متمرکز شود. از این رو، لازم است وظایف پراکنده و مشابه در سایر سازمان‌ها حذف، منابع انسانی و مالی در نهادهای اصلی تجمیع و وظایف دستگاه‌ها به صورت شفاف، تفکیک، و بدون هرگونه هم‌پوشانی مشخص گردد تا از ابهام و تعارض نقش جلوگیری شود.

۱. مقدمه

هر چند آسیب‌های اجتماعی در همه جوامع وجود دارند، نوع، میزان شیوع و دلایل بروز و تشدید آنها در جوامع گوناگون متفاوت است. در این میان، شیوه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دولت‌ها، نحوه آرایش نهادها و ارتباط متقابل میان آنها، نقشی تعیین‌کننده در مواجهه با آنها دارد. به دلیل تنوع آسیب‌های اجتماعی و تأثیرپذیری آنها از سطوح و زمینه‌های مختلف، طراحی یک نظام یکپارچه برای کنترل آنها امری ضروری است. به طور مشخص، در سطح کلان، عواملی همچون پیامدهای برنامه‌های توسعه از قبیل صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت، الگوی نابرابر توزیع منابع و فرصت‌ها در سطح ملی و تحولات فناورانه، نقشی مؤثر در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی دارند. در سطح میانی، کارکرد یا بدکارکردی نهادهای بنیادین جامعه مانند خانواده، آموزش، کار و ویژگی‌های اجتماعات محلی، در تشدید یا مهار آسیب‌ها تعیین‌کننده است. در سطح خرد نیز ویژگی‌های فردی و بین فردی از قبیل احساس دلبستگی و ظرفیت‌های خودتنظیمی، در مواجهه با این آسیب‌ها نقش ایفا می‌کنند.

نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (که در ادامه به اختصار ک.آ.آ نامیده می‌شود) به توجه هم‌زمان به تمام سطوح یاد شده و یکپارچه‌سازی مداخلات خود در نهادهای مختلف ملزم است. به عبارت دیگر، چنین نظامی باید از توانایی رصد و ارزیابی مستمر تحولات اجتماعی و پیش‌بینی پیامدهای آنها برخوردار باشد و از طریق زیرنظام‌های تخصصی، طیفی از خدمات اجتماعی را برای افراد در معرض آسیب یا آسیب‌دیده فراهم آورد. افزون بر این، انسجام سرزمینی این نظام از سطح ملی تا محلی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا از بروز تعارض نهادی، موازی‌کاری و ناکارآمدی در حوزه‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و اجرا جلوگیری شود.

علی‌رغم این الزامات، استقرار یک نظام منسجم و کارآمد برای حکمرانی اجتماعی در ایران طی دهه‌های اخیر با چالش‌هایی نظیر پراکندگی نهادی، تداخل وظایف، ضعف همکاری میان دستگاه‌ها و نبود چارچوب‌های هماهنگ‌کننده مواجه بوده است. این وضعیت باعث شده است که بسیاری از برنامه‌های خدمات اجتماعی از جامعیت، پیوستگی و اثربخشی لازم برخوردار نباشند. در پاسخ به این چالش‌ها و در راستای تحقق سیاست‌های ابلاغی امام شهید(ره) مبنی بر تقویت نقش راهبردی شورای اجتماعی، شورای عالی اداری در سال ۱۳۹۵ طی مصوبه‌ای، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور را به سازمان امور اجتماعی (که در ادامه به اختصار «س.ا.ا» از آن یاد می‌شود) تغییر داد. این سازمان که به عنوان دبیرخانه شورای اجتماعی کشور تعیین شد، مأموریت یافت تا ضمن انسجام‌بخشی به نهادها و دستگاه‌های فعال در حوزه اجتماعی، نظارت راهبردی بر اجرای برنامه‌های آنان را نیز اعمال کند.

اکنون و پس از گذشت حدود یک دهه از تأسیس این سازمان و فعالیت آن در دولت‌های مختلف، مجموعه‌ای از اقدامات در حوزه‌های سیاستگذاری، انسجام‌بخشی و هماهنگی نهادی، و ارزیابی برنامه‌های دستگاه‌های مرتبط با ک.آ.آ صورت گرفته است. با این حال، میزان اثربخشی این اقدامات و نقش سازمان مذکور در انسجام حکمرانی اجتماعی نیازمند بررسی است. بر این اساس، گزارش پیش‌رو با هدف بررسی و ارزیابی عملکرد س.ا.ا در زمینه تنظیم‌گری ک.آ.آ تدوین شده است تا تصویری روشن از دستاوردها، چالش‌ها و مسیرهای پیش‌روی آن ارائه دهد.



۲. روش‌شناسی



باتوجه به ماهیت کیفی وظایف س.ا.ا. بررسی عملکرد این سازمان در حوزه تنظیم‌گری ک.ک.آ.ا. مستلزم پژوهشی جامع است که تمام سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات ادوار گذشته را مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد. در این راستا و با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و اقتضائات موجود، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش موردپژوهی، ارزیابی عملکرد سازمان در سه حوزه اصلی سیاستگذاری، هماهنگی و نظارت صورت پذیرد. منابع داده‌ای مورد استفاده در این بررسی شامل گزارش‌های عملکرد سازمان، اسناد و مدارک موجود، و نیز مصاحبه با مدیران و کارشناسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی گوناگون از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی، قوه قضائیه، سازمان امور اجتماعی، خبرگان دانشگاهی، کارشناسان بخش خصوصی و شماری از کارشناسان سازمان‌های مرتبط بوده است. فرایند پژوهش، در گام نخست به مرور قوانین، مصوبات، مقررات و دیگر اسناد بالادستی اختصاص داشت تا براساس آن، تصویری روشن از وظایف قانونی س.ا.ا. احصا و تحلیل شود. در گام بعدی، مبتنی بر گزارش‌های دریافتی، عملکرد سازمان در حوزه‌های مختلف مرتبط با ک.ک.آ.ا. ترسیم گردید. در گام نهایی، از طریق انجام مصاحبه‌ها و نشست‌های تخصصی و همچنین مرور منابع و مطالعات مرتبط، ارزیابی جامعی از عملکرد سازمان به عمل آمده است.

۳. پیشینه



۳-۱. سوابق مطالعاتی

به‌رغم نبود مطالعات اختصاصی پیرامون س.ا.ا. یافته‌هایی در جریان تحقیقات مرتبط با این حوزه به دست آمده است که به‌نحوی با وظایف این سازمان ارتباط دارند، این یافته‌ها در جدول ۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر	یافته‌های اصلی
۱	تحلیلی بر تعارضات قانونی نهادهای تنظیم‌گر امور مربوط به مسائل و آسیب‌های اجتماعی در کشور [۱]	۱۴۰۲	۲۱۰۱۹۵۷۵	اجتماعی	فقدان انسجام و تعارضات قانونی و مقررات موجود، موجب شکل‌گیری پدیده‌ای تحت عنوان اختلال تنظیم‌گری و موازی‌کاری در امور مربوط به آسیب‌های اجتماعی در کشور شده است.
۲	بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۳۳) چالش‌های تنظیم‌گری در حوزه ک.ک.آ.ا. [۲]	۱۴۰۲	۲۱۰۱۹۰۹۶	اجتماعی	خلأ داده‌های جامع و بروز، تعدد و پراکندگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، ابهام نقش / تعارض نقش و مسئولیت‌گریزی دستگاه‌ها از عمده چالش‌های تنظیم‌گری در این حوزه هستند.
۳	ارزیابی عملکرد نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان [۳]	۱۴۰۲	۲۱۰۱۹۶۳۱	اجتماعی	فروپاشی انتلاف نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان یکی از عمده عوامل ناکارآمدی این نظام است.

مأخذ: یافته‌های گزارش.

یافته‌های گزارش‌ها حاکی از آن است که تعارضات قانونی، تعدد و پراکندگی دستگاه‌های اجرایی با وظایف مشابه در برخی از موارد به تعارض در نقش‌ها، مسئولیت‌گریزی و اجرای اقدامات موازی و کم‌اثر منجر شده است. این ناهماهنگی ساختاری، یکی از عوامل فاصله‌گیری نظام ک.ک.آ.ا. از اهداف تعیین شده محسوب می‌شود.

۳-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی

جدول ۲. تحلیل پیشینه تقنینی

ردیف	نام سند	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	شماره ماده	نکات برجسته
۱	آیین‌نامه شورای اجتماعی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۵	(۱) تا (۹)	عمده اهداف و وظایف شورای اجتماعی کشور عبارت‌اند: از پیشگیری، کنترل و کاهش معضلات و آسیب‌های اجتماعی؛ هماهنگی، هم‌افزایی، انسجام‌بخشی، بسیج ظرفیت‌ها و توانمندی‌های قوای سه‌گانه و نهادهای تحت نظر مقام معظم رهبری (رهبر شهید(ره)) و گروه‌ها و تشکلهای مردمی برای ارتقای سلامت اجتماعی و حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی؛ نظارت بر عملکرد تمام دستگاه‌های اجرایی در حوزه امور اجتماعی و تأیید گزارش سالیانه وضعیت اجتماعی کشور.
۲	مصوبه شورای عالی اداری در خصوص ارتقای مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور به سازمان امور اجتماعی کشور	شورای عالی اداری	۱۳۹۵	-	بر اساس این مصوبه مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور به سازمان امور اجتماعی کشور ارتقا یافت؛ متعاقباً، تمام مأموریت‌های ذاتی وزارت کشور در حوزه اجتماعی به این سازمان تفویض گردید. همچنین، سازمان امور اجتماعی کشور متصدی وظایف دبیرخانه شورای اجتماعی کشور شده و اجرای وظایف سازمانی خود را در سطح استان‌ها از طریق دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها اعمال خواهد نمود.
۳	قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۶	(۸۰)	تدوین طرح جامع ک.ک.آ. با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی طبق مصوبات شورای اجتماعی در محورهای پیشگیری، خدمت‌رسانی و بازتوانی، شناسایی و بهبود نقاط آسیب‌خیز، حمایت از زنان سرپرست خانوار و مقابله با اعتیاد.
۴	قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۷-۱۴۰۳)	مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۳	(۸۰) و (۸۵)	اصلاح برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق؛ تدوین و رصد شاخص‌های وضعیت اجتماعی کشور؛ هماهنگی و انسجام‌بخشی به دستگاه‌های ذی‌ربط و پیگیری و نظارت بر برنامه‌ها و اقدامات آنها؛ تدوین و تأیید برنامه‌های فوق‌العاده دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و تصویب آنها در شورای اجتماعی و پیش‌بینی اعتبار آنها در لوایح بودجه؛ پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر نظام یکپارچه پیشگیری؛ شناسایی و سامان‌دهی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت‌های شهری، حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی؛ سامان‌دهی سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز نهادهای پیشرفت و توسعه محلی مردمی به‌منظور توانمندسازی محلات و رفع فقر و محرومیت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و تهیه آیین‌نامه نحوه مداخله یکپارچه دستگاه‌های اجرایی مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور در محلات و حاشیه شهرها.
۵	اساسنامه سازمان امور اجتماعی	هیئت وزیران	۱۴۰۴	(۱) تا (۷)	ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری، پایش و کنترل و کاهش مسائل و آسیب‌های اجتماعی، انجام وظایف سازمان توسط استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، استقرار دبیرخانه شورای امور اجتماعی در سازمان و تعیین وظایف و منابع سازمان.

مأخذ: همان.

بررسی قوانین و مقررات نشان می‌دهد که برای س.ا.ا، به‌عنوان دبیرخانه شورای اجتماعی، چند وظیفه عمده در حوزه ک.ک.آ. تعیین شده است که اهم آنها عبارت‌اند از: رصد، سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری، هماهنگی و هم‌افزایی بخش‌های مختلف و نظارت بر برنامه‌ها و اقدامات آنها. در سطح استان‌ها نیز این وظایف توسط دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها انجام می‌شود.



باین حال، ضروری است که وظایف این سازمان در مقایسه با وظایف سایر دستگاه‌های متولی در این حوزه مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا این وظایف در قوانین دیگر برای تعدادی دیگر از نهادها تعیین شده است. برای مثال قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳) در مواد مختلف به‌ویژه (۴) و (۱۶) وظایف شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی را هماهنگی سیاست‌های اجتماعی و بخش‌های مختلف دولت از جمله حوزه حمایتی در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تعیین کرده است. به همین ترتیب در ماده (۵۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶) برای شورای نام‌برده وظایفی نظیر هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و هماهنگی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط تعیین شده است. همچنین براساس ماده (۸) قانون یادشده، سازمان بهزیستی به‌عنوان نهاد متولی سلامت اجتماعی تعیین شده و مأموریت آن بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مداخله در بحران‌های اجتماعی تمرکز دارد. باین حال، در ماده (۲) اساسنامه س.ا.ا نیز این سازمان به‌عنوان متولی سلامت اجتماعی معرفی شده است. باتوجه به تعریفی که در ماده (۱) همان اساسنامه از سلامت اجتماعی^۱ ارائه شده، مشخص نیست این سازمان از طریق چه سازوکارهایی قصد دارد به تحقق این هدف دست یابد.

براساس قانون مبارزه با مواد مخدر (۱۳۶۷) همراه با اصلاحات و الحاقات بعدی، ستادی تحت عنوان ستاد مبارزه با مواد مخدر به‌منظور انجام وظایفی از قبیل سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و قضایی، نظارت بر اجرای صحیح قانون و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط، تأسیس گردیده است [۴]. در نتیجه، همان‌طور که مشهود است، قوانین مختلف، وظایف مشابهی در حوزه تنظیم‌گری ک.ک.آ.ا را برای چندین نهاد مشخص کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند به ابهام در نقش‌ها، تکرار اقدامات و ایجاد اختلال در فرایندهای کلیدی مانند سیاستگذاری، بودجه‌ریزی، هماهنگی و نظارت منجر شود.

همان‌گونه که در گزارش‌های دیگر مورد بحث قرار گرفته است [۵ و ۶]، در کشورهای دیگر، وظایف سیاستگذاری، بودجه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه ک.ک.آ.ا، تحت راهبری وزارت امور اجتماعی یا وزارت سلامت و امور اجتماعی تعیین شده است. علاوه بر این، در این کشورها، به نهادهای محلی در چارچوب قوانین ملی، میزان مشخصی از اختیارات سیاستگذاری برای پاسخ‌گویی به نیازهای بومی اعطا گردیده است. این در حالی است که در ایران، بخشی از این وظایف به سازمان امور اجتماعی به‌عنوان یک نهاد ذیل وزارت کشور تفویض شده است؛ باوجود این، دامنه اصلی مسئولیت‌های وزارت کشور بر سیاست‌های داخلی متمرکز است تا سیاست‌های حوزه اجتماعی. این نحوه توزیع وظایف می‌تواند انسجام اجتماعی امور اجتماعی در کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای مثال برخی از دستگاه‌های تنظیم‌گری یا مجری در حوزه ک.ک.آ.ا نظیر ستاد مبارزه با مواد مخدر یا سازمان بهزیستی، از نظر ساختاری زیرمجموعه وزارت کشور یا س.ا.ا نیستند و مدیریت، راهبری و اعتبارات آنها مستقل از این وزارتخانه تعریف شده است. در نتیجه، این وضعیت انسجام ساختاری حکمرانی آسیب‌های اجتماعی را تضعیف می‌کند؛ چرا که س.ا.ا فاقد ابزارهای لازم برای اعمال هماهنگی و نظارت مؤثر بر این دستگاه‌های هم‌عرض بوده و این امر می‌تواند پایبندی آنان به سیاست‌ها مصوب شورای اجتماعی را کاهش دهد.

علاوه بر چالش‌های پیشین، اساسنامه سازمان امور اجتماعی (۱۴۰۴) نیز دارای ابهاماتی است. به‌عنوان مثال، ماده (۱) این اساسنامه در تعریف مفاهیمی نظیر آسیب اجتماعی، سلامت اجتماعی و برنامه‌های فوق‌العاده دچار ابهام است؛ به‌گونه‌ای که در عمل، هر مصداقی می‌تواند ذیل این تعاریف گسترده قرار گیرد و تنظیم‌گری اجتماعی را مختل کند. از سوی دیگر، فلسفه ذاتی تأسیس این سازمان به‌عنوان دبیرخانه شورای اجتماعی کشور بر محوریت هماهنگی، انسجام‌بخشی و هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف حوزه ک.ک.آ.ا بنا شده است. اما اساسنامه کنونی به‌صورت دقیق به این وظایف محوری اشاره نکرده و ابزارهای عملیاتی و سازوکارهای اجرایی لازم برای تحقق این اهداف کلیدی را به‌روشنی مشخص ننموده است. در مجموع، اساسنامه سازمان دارای ایرادات متعددی از جمله ابهام و آشفتگی در تعریف مفاهیم،

۱. در قانون نام‌برده سلامت اجتماعی این‌گونه تعریف شده است: شرایط سلامت‌بخشی که در چارچوب موازین شرعی و مبتنی بر پنج مؤلفه ادغام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی است و ارتقای آن موجب پایش (کنترل) و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

۲. برخی از اصلاحات تعریف شده در ماده (۱) اساسنامه سازمان امور اجتماعی به این شرح است: الف) آسیب اجتماعی: هر نوع عمل فردی یا جمعی که به‌نوعی ارزش‌های مرسوم و مورد قبول جامعه و یا ارزش‌های دینی را به چالش می‌کشد و از نظر شرعی، اخلاقی، عرفی، اجتماعی و یا قانونی ناپذیرفتنی است. ب) برنامه فوق‌العاده: برنامه‌هایی که مطابق فرایند مقرر در بند «الف» ماده (۸۵) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ به تصویب شورا می‌رسند. بند «الف» قانون مذکور نیز به این شرح است: دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مکلف‌اند برنامه‌های فوق‌العاده خود را در زمینه پایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، حاشیه‌نشینی و فساد و عدم رعایت انضباط اجتماعی با همکاری سازمان تابعه ذی‌ربط مذکور تدوین نموده و تا پایان تیرماه هر سال با تأیید سازمان، به تصویب شورای اجتماعی کشور برسانند.

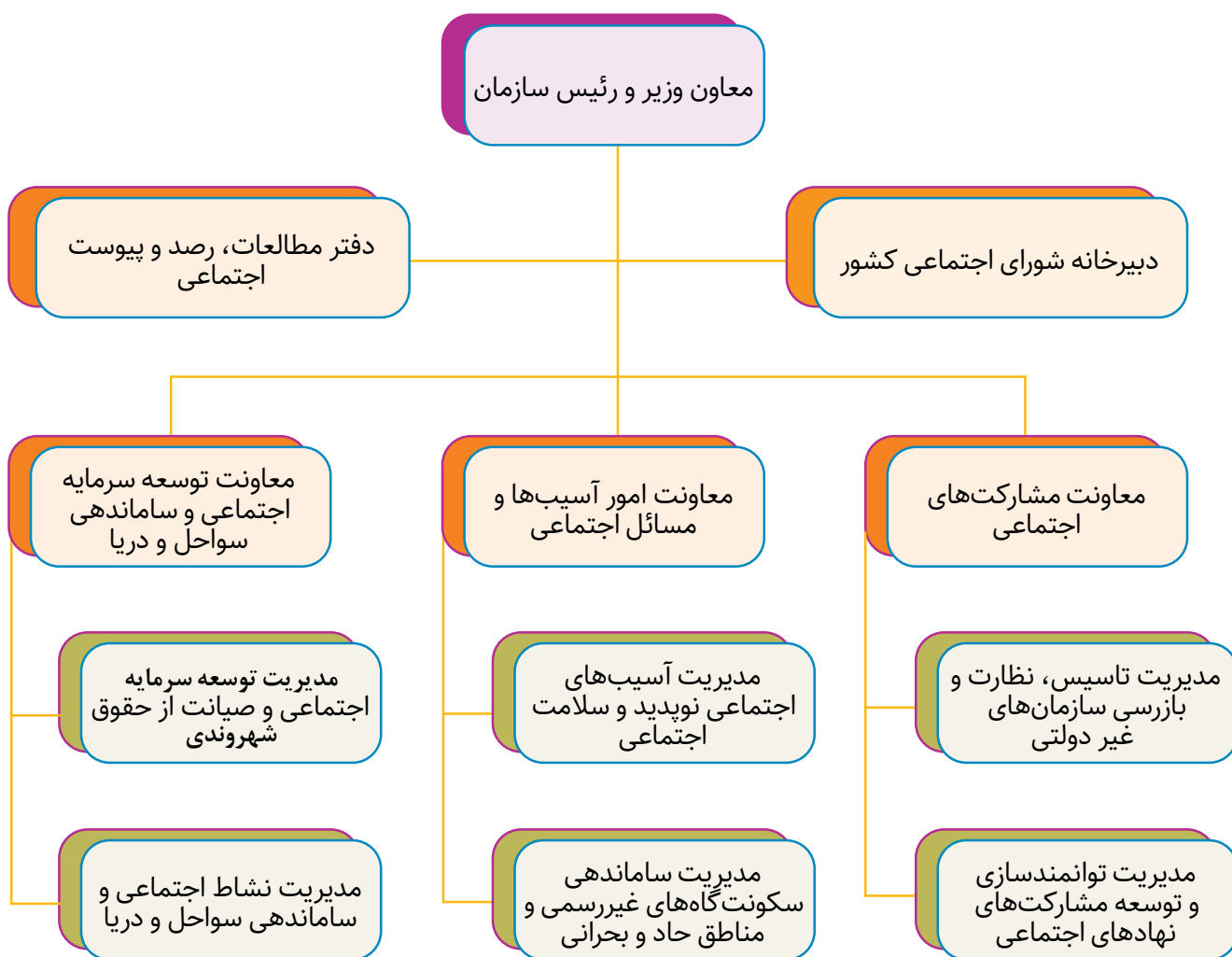
بی‌توجهی به قوانین و اسناد بالادستی کشور در تعیین وظایف سازمان و غیره است که چنین کاستی‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات و بررسی‌های بیشتر توسط پژوهشگران حوزه سیاستگذاری اجتماعی باشد.

۴. ساختار، اهداف و وظایف سازمان امور اجتماعی کشور



س.ا.ا. نهادی دولتی وابسته به وزارت کشور با شخصیت حقوقی مستقل است. در واقع س.ا.ا. تشکیلات اداری برای پیگیری، نظارت و هماهنگی در تصمیمات اتخاذ شده در شورای اجتماعی قلمداد می‌شود. هدف اصلی این سازمان، پیگیری و نظارت بر اجرای تصمیمات و مصوبات شورای اجتماعی در حوزه پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها و مسائل اجتماعی است. این هدف از طریق اخذ گزارش از دستگاه‌های اجرایی و ارائه آن به شورا، رصد آسیب‌های اجتماعی، تهیه محتوای لازم برای شورا و مدیریت راهبردی مشارکت‌های اجتماعی محقق می‌شود تا در نهایت، به انسجام‌بخشی فعالیت‌های حوزه اجتماعی بینجامد [۷]. نمودار تفصیلی سازمان در شکل ۱ نشان داده شده است:

شکل ۱. نمودار تفصیلی سازمانی سازمان امور اجتماعی کشور [۷]





وظایف اساسی سازمان براساس اساسنامه سازمان در حوزه تنظیم‌گری ک.ک.آ عبارت‌اند از:

- ایفای نقش دبیرخانه شورای اجتماعی کشور و نظارت بر اجرای طرح‌های مصوب آن؛
- برنامه‌ریزی و راهبری برای ارتقای سلامت اجتماعی و پایش آسیب‌های اجتماعی و کنترل و کاهش آنها در چارچوب مصوبات شورا و وظایف دستگاه‌های متولی؛
- پیگیری مصوبات شورا و رتبه‌بندی دستگاه‌ها و نهادهای متولی براساس میزان اجرای این مصوبات؛
- تقویت فرایندهای تصمیم‌سازی، سامان‌دهی و اداره امور اجرایی شورا در جایگاه دبیرخانه؛
- بهره‌گیری از گروه‌های نخبگانی و تشکل‌های غیردولتی در چارچوب مصوبات شورا و بارعایت قوانین و مقررات؛
- همکاری در تدوین پیش‌نویس سیاست‌ها و برنامه‌های فوق‌العاده دستگاه‌های متولی برای بررسی و تصویب در شورا؛
- نظارت بر نحوه هزینه‌کرد منابع و اعتبارات مصوب شورا؛
- ارزشیابی برنامه‌ها و اقدامات دستگاه‌های متولی براساس مصوبات شورا و ارائه گزارش‌های نظارتی و ارزیابی به شورا؛
- پیگیری تدوین و به‌روزرسانی پیوست اجتماعی طرح‌های ملی، استانی و توسعه‌ای کشور با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، برای تصویب در شورا؛
- استقرار نظام جامع رصد وضعیت اجتماعی، تدوین اطلس آسیب‌های اجتماعی کشور براساس شاخص‌های مصوب، و تهیه گزارش‌های دوره‌ای وضعیت اجتماعی در سطوح ملی، استانی و منطقه‌ای برای ارائه به مراجع ذی‌صلاح؛
- پیگیری اجرایی شدن مصوبات مراجع ذی‌صلاح قانونی در موضوعات مرتبط با وظایف شورا؛
- صدور مجوز، حمایت، توانمندسازی، سامان‌دهی و تسهیلگری فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط، و ارزیابی و رتبه‌بندی آنها در چارچوب صلاحیت‌های قانونی وزارت کشور و... [۸ و ۹].

۵. عملکرد سازمان امور اجتماعی در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی آن

در این بخش، مهم‌ترین اقدامات س.ا.ا در تنظیم‌گری ک.ک.آ براساس گزارش دریافتی و منابع موجود، در چهار محور اصلی شامل سیاست‌گذاری،^۱ هماهنگی و هم‌افزایی، تنظیم‌گیری بخش مردم‌نهاد و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن،^۲ و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها و برنامه‌ها، تشریح می‌گردد. گفتنی است که این دسته‌بندی، با هدف ایجاد انسجام در ارائه گزارش صورت پذیرفته است؛ درحالی‌که در عمل، این چند حوزه از وظایف سازمان، به‌طور جدایی‌ناپذیری درهم تنیده و مکمل یکدیگر هستند. همچنین با توجه به گستردگی دامنه فعالیت‌های این سازمان، ذکر تمام اقدامات در قالب گزارش واحد امکان‌پذیر نیست؛ لذا، در ادامه، برجسته‌ترین اقدامات صورت گرفته توسط سازمان در راستای اهداف و مواد قانونی مرتبط، مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱. سیاست‌گذاری

۵-۱-۱. اقدامات انجام شده در راستای سیاست‌گذاری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

اقدامات عمده سازمان در این حوزه عبارت‌اند از:

۱. س.ا.ا، به‌عنوان دبیرخانه شورای عالی اجتماعی کشور، مسئولیت تدوین پیش‌نویس سیاست‌ها و راهبردها را برای این شورا بر عهده دارد. سیاست‌گذاری نهایی و تصویب این سیاست‌ها، وظیفه شورای عالی اجتماعی کشور است. با این حال، با توجه به اینکه بسیاری از اسناد و سیاست‌ها در این سازمان تدوین شده و سپس برای تصویب به شورا ارائه می‌گردند، و همچنین با در نظر گرفتن اینکه سیاست‌ها یکی از ابزارهای کلیدی در تنظیم‌گری اجتماعی محسوب می‌شوند، در این بخش به مرور و بررسی سیاست‌های تنظیم‌گری ک.ک.آ که توسط این سازمان تدوین شده‌اند، پرداخته شده است.

۲. تنظیم‌گری بخش مردم‌نهاد در سازمان امور اجتماعی، هر چند به‌طور کلی در ذیل انسجام‌بخشی و هماهنگی قرار می‌گیرد، به‌دلیل ماهیت مستقل آن از نهادهای دولتی و نیز تفاوت در اقدامات تنظیم‌گرانه، به‌عنوان بخشی مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) تدوین طرح تقسیم کار ملی کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۵): این طرح، چارچوبی جامع برای پرداختن به ۲۳ آسیب اجتماعی فراهم کرده است. در این چارچوب برای هر آسیب یا مسئله اجتماعی دستگاه اصلی مسئول، دستگاه‌های همکار، دستگاه معین، شاخص‌های کلیدی عملکرد، اهداف کمی و اولویت‌های اقدام تعیین شده است. آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مورد توجه در این طرح عبارت‌اند از: حاشیه‌نشینی و بافت‌های فرسوده، اعتیاد، طلاق، مفاسد اخلاقی، زنان سرپرست خانوار، آسیب‌های اجتماعی کلان‌شهرها، زندانیان و خانواده زندانیان، آسیب‌ها و تهدیدات امنیت اجتماعی، اختلالات روانی و رفتارهای پرخطر، آسیب‌های اجتماعی کودکان، آسیب‌های اجتماعی جوانان، آسیب‌های اجتماعی محیط‌های دانش‌آموزی، مسائل اجتماعی و فرهنگی محیط‌های دانشگاهی، آسیب‌های فضای مجازی، نارضایتی از کارکرد نظام اداری و اجرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی، مصرف مشروبات الکلی، امنیت عمومی، فقر و نابرابری، بیکاری، مناطق بحرانی و حاد، پرونده‌های قضایی، و مدیریت سواحل و تفرجگاه‌ها [۷].

ب) تدوین سند سلامت اجتماعی (۱۳۹۸): در چارچوب این سند، پنج هدف راهبردی کلان احصا گردیده است که شامل بهبود شاخص تحکیم خانواده، ارتقای رفتارهای اجتماعی مطلوب، استقرار نظام یکپارچه و جامع خدمات سلامت روان و مراقبت اجتماعی ایران (سامان) و اجرای حداقل ۱۰ قانون، سیاست و برنامه در دستگاه‌های اجرایی می‌شود. متعاقباً، برنامه‌های عملیاتی لازم برای تحقق این اهداف، با تمرکز بر پیشبرد راهبرد سوم تدوین و به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده است.

ج) تدوین کتاب پیوست‌نگاری اجتماعی: مبانی و اصول، تجارب جهانی و داخلی به‌عنوان پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و نهایتاً تصویب آیین‌نامه تدوین پیوست اجتماعی در طراحی برنامه‌های کلان توسعه‌ای در سال ۱۳۹۹.

د) تشکیل ائتلاف ملی در حوزه رصد اجتماعی.

ه) تدوین گزارش ملی وضعیت اجتماعی ایران (ماده (۸۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت).

و) سنجش سالیانه وضعیت سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی.

ز) برگزاری دو دوره همایش وضعیت اجتماعی کشور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴.

ح) انجام مطالعات مختلف در راستای شناخت وضعیت اجتماعی کشور در مرکز ملی رصد اجتماعی: هدف از این مطالعات، علاوه بر شناخت وضعیت اجتماعی کشور، تلاش در راستای سیاست‌گذاری اجتماعی داده‌محور است. برخی از مهم‌ترین این مطالعات عبارت‌اند از: تدوین گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان‌های کشور، طرح ملی سنجش سلامت اجتماعی ایرانیان، سیاست‌های سلامت اجتماعی کشور، مجموعه گزارش‌های بومی‌سازی تجارب کاهش آسیب‌های اجتماعی در جهان و....

ط) کنترل و کاهش مصرف مشروبات الکلی: یکی از اقدامات انجام‌گرفته در راستای کنترل این آسیب‌ها، بازنگری و به‌روزرسانی سند ملی پیشگیری و کاهش مصرف مشروبات الکلی در ایران (۱۳۹۹) است. سیاست‌های دیگر در راستای هدف فوق عبارت بوده‌اند از: تهیه دستورالعمل جامع نظارت بر فرایند تولید و توزیع الکل (صنعتی و طبی) برای واحدهای تولید و صنفی، تهیه پیش‌نویس برنامه عملیاتی دستگاه‌های عضو کمیته براساس اصلاحیه سند، تعیین سازمان غذا و دارو به‌عنوان متولی توزیع صدور حواله‌های الکل و نظارت بر آن و....

ی) برنامه فوق‌العاده: باتوجه به عقب‌ماندگی‌های موجود در نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، در دهه ۱۳۹۰، امام‌شهیید(ره) بر لزوم اتخاذ اقدامات فوق‌العاده و فراتر از روال عادی برای مواجهه با این مسائل تأکید داشتند. در همین راستا، طراحی و اجرای برنامه‌های فوق‌العاده در دستور کار قرار گرفت. به‌طور خلاصه، برنامه فوق‌العاده ابزاری سیاستی و برنامه‌ریزی است که برای انجام اقدامات بیشتر و فراتر از روال معمول، با هدف کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی به کار گرفته می‌شود. هدف اصلی این برنامه‌ها، تسریع در فرایند ک.ک.ا. و جبران کاستی‌های گذشته بوده است. س.ا.ا. با بهره‌گیری از ظرفیت کارگروه‌ها و دستگاه‌های عضو در طول سال‌های متمادی، برنامه‌های متعددی را با عنوان برنامه‌های فوق‌العاده برای پیشبرد اهداف ک.ک.ا. تدوین و اجرا کرده است. جزئیات این برنامه‌ها در بخش‌های آتی ارائه شده است.

ک) حوزه سلامت: در همین راستا، اقدامات زیر توسط حوزه معاونت و امور آسیب‌های س.ا.ا. کشور طی سالیان اخیر صورت پذیرفته است:

■ **کاهش آسیب اجتماعی اچ‌آی‌وی/ایدز:** در این راستا، پنجمین برنامه ملی استراتژیک کنترل عفونت اچ‌آی‌وی/ایدز (۱۴۰۳-۱۳۹۹) با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت بهداشت تدوین و به تصویب رسیده است. س.ا.ا. در چارچوب برنامه تقسیم کار ملی و با هدف تقویت برنامه‌های تأثیرگذار در پیشبرد برنامه‌های چهارم و پنجم استراتژیک کنترل ایدز، از محل اعتبارات کاهش آسیب‌های اجتماعی اقدام به تخصیص اعتبار کرده است.



■ **سلامت اجتماعی و ارتقای سلامت روان با تمرکز بر کنترل و کاهش خودکشی:** در راستای ارتقای سلامت اجتماعی و کنترل و کاهش خودکشی، وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۸ اقدام به طراحی و راه‌اندازی سامانه ثبت رفتار خودکشی نمود و در ادامه، برنامه ملی پیشگیری از خودکشی (۱۴۰۱) با بهره‌گیری از داده‌های این سامانه و با همکاری س.ا.ا. تدوین و به مرحله اجرا درآمده است.

■ **اجرای شبکه خدمات یکپارچه جامع و همگانی سلامت روان و اجتماعی (سامان):** هدف این طرح، اجرای پیش‌گامانه و سپس تعمیم الگوی خدمات یکپارچه جامع سلامت روان و مراقبت‌های اجتماعی در سطح شهرستان‌های کشور است. تحقق این هدف از طریق راه‌اندازی مراکز سلامت روان جامعه‌نگر، مراکز خدمات بهزیستی و اجرای «بسته اقدام جامعه» و همچنین، برقراری ارتباط شبکه‌ای میان مدارس، هسته‌ها و مراکز مشاوره آموزش و پرورش، محیط‌های کاری، مراکز خدمات جامع سلامت و سایر مراکز تخصصی جهت ارائه خدمات پلکانی محقق می‌شود. این طرح، اقدامات و مداخلات حوزه ک.ک.آ.ا. را سامان‌دهی، یکپارچه‌سازی و هم‌افزایی کند. در چارچوب این الگو، با ایجاد پرونده سلامت اجتماعی، تلاش بر ارائه مداخلات منظم سه‌گانه شامل آموزش سبک زندگی سالم، ارزیابی و مداخله یا کاهش خطرات اجتماعی (مشاوره و حمایت اجتماعی) و اقدام در محیط‌های چهارگانه شامل خانواده، محله، محل کار و محل تحصیل ارائه شود. این الگو حاصل تلفیق و یکپارچه‌سازی الگوی سراج (سلامت روانی و اجتماعی)، الگوی ماج (مراقبت اجتماعی جامع)، الگوی نماد (نظام مراقبت‌های اجتماعی دانش‌آموزان)، الگوی کاج (نظام سلامت کارگران جامعه) و دفاتر تسهیلگری وزارت کشور است [۷ و ۸].

۲-۱-۵. ارزیابی سیاستگذاری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

ارتقای شورای اجتماعی و تأسیس سازمان امور اجتماعی، ظرفیتی نهادی برای تنظیم‌گری در حوزه ک.ک.آ.ا. فراهم آورده است. این سازمان در سال‌های گذشته کوشیده است ضمن رصد وضعیت اجتماعی کشور، به شکل‌گیری گفتمانی واحد در سطح ملی پیرامون اهمیت و ضرورت ک.ک.آ.ا. کمک کند. همچنین ایجاد مرکز رصد اجتماعی کشور، ظرفیتی برای **سیاستگذاری داده‌محور** فراهم کرده است. از سوی دیگر، سازمان امور اجتماعی با تدوین اسناد مختلف (مهم‌ترین آنها پیش‌تر مرور شد) و تصویب آنها در شورای اجتماعی کشور، در جهت تحقق سیاستگذاری در حوزه ک.ک.آ.ا. گام برداشته است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این راستا، **مسئله‌شناسی تنظیم‌گری امور اجتماعی و ک.ک.آ.ا.** و نیز جلب حمایت در بالاترین سطح ممکن برای آن بوده است. باین حال، علی‌رغم این فرصت‌ها و اقدامات، چالش‌هایی نیز پیش‌روی سیاستگذاری‌های ک.ک.آ.ا. وجود داشته که در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است.

سیاستگذاری ک.ک.آ.ا. باید به عوامل دور و نزدیک مولد آسیب‌های اجتماعی توجه داشته باشد و به گونه‌ای طراحی شود که عوامل نام‌برده را کاهش دهد و با ایجاد یک نظام یکپارچه و فراگیر، دادن اختیار کافی به کارگزاران منطقه‌ای و محلی برای تطبیق سیاست‌ها با نیازهای محلی و مشارکت دادن بخش مردم‌نهاد، از افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده حمایت کند و زمینه بهبود و توانمندسازی آنها را با خدمات اجتماعی فراهم آورد. در خصوص ارزیابی سیاستگذاری‌های انجام شده توسط س.ا.ا. در زمینه ک.ک.آ.ا. می‌توان به چند نکته اشاره کرد: سیاستگذاری‌های سازمان عمدتاً بر افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده متمرکز بوده‌اند تا بر علل دور و نزدیک آسیب‌های اجتماعی یا فرایندهای منجر به آسیب‌های اجتماعی. به عنوان مثال، در میان اسناد تولید شده، از جمله طرح جامع ک.ک.آ.ا.، راهبردها و اقدامات پیشنهادی بیشتر ناظر بر سطوح فردی هستند تا علل زمینه‌ای این آسیب‌ها. البته، مواردی نیز وجود دارند که به سطوحی همچون زمینه‌ها و فرایندهای آسیب‌زا دیگر توجه دارند؛ نظیر **آیین‌نامه تدوین پیوست اجتماعی در طراحی برنامه‌های کلان توسعه‌ای (۱۳۹۹)** یا مفهوم‌سازی نقاط حاد و بحرانی به عنوان آسیب‌های اجتماعی. باین حال، گفتنی است که اثرگذاری بر بسیاری از علل آسیب‌های اجتماعی، مانند انواع شوک‌ها، عدم تعادل‌های منطقه‌ای یا مهاجرت، خارج از حوزه اختیارات و کنترل مستقیم سازمان قرار دارد. این موضوع یکی از چالش‌های نظام سیاستگذاری کشور است، به نحوی که حوزه اجتماعی در مقایسه با سایر حوزه‌ها چندان اولویت ندارد و در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای چندان به ابعاد اجتماعی آنها توجه نمی‌شود [۱۰].

در برخی حوزه‌های دیگر، که پتانسیل اقدام وجود داشته است، از جمله در زمینه‌هایی مانند سیاستگذاری برای ایجاد محیط دیجیتال امن برای کودکان و نوجوانان، ارزیابی و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با آسیب‌های اجتماعی، نظیر سیاستگذاری در زمینه بی‌خانمانی، حضانت و موارد متعدد دیگر، س.ا.ا. ورود مؤثری نداشته است. یکی دیگر از چالش‌های اساسی در این حوزه، ضعف و فقدان آینده‌نگری در مواجهه با مسائل و آسیب‌های اجتماعی نوظهور است [۷]. به عنوان مثال، ظهور فناوری‌های دیجیتال، روند و جهت بروز آسیب‌های اجتماعی را تغییر

داده و سرعت بخشیده است. همچنین، رواج از دواج‌های موقت و غیررسمی و متعاقب آن، جدایی و طلاق در این نوع از دواج‌ها، مسئله حضانت فرزندان حاصل از این از دواج‌ها را مطرح کرده است. باین حال، شاهد سیاستگذاری جدی در این حوزه‌ها نیستیم. در ادامه، برخی دیگر از سیاست‌هایی که مرور شدند، مورد بررسی قرار می‌گیرند:

طرح جامع ک.ک.آ.ا، که براساس موضوعات اولویت‌دار به‌عنوان یک چارچوب جامع و ساختار یافته تدوین شده است، به تحلیل آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار و تعیین راهبردها و برنامه‌های مربوطه می‌پردازد. باین حال، چند نکته قابل توجه درباره این طرح وجود دارد: نخست اینکه، در سال‌های گذشته نسخه‌های متعددی از این طرح، به‌صورت رسمی و غیررسمی، توسط س.ا.ا منتشر شده است. در عین حال، مشخص نیست کدام یک از این نسخه‌ها مبنای عمل قرار گرفته است. این امر نشان‌دهنده آشفتگی نهادی و همچنین بیانگر آن است که بسیاری از تصمیمات در سازمان، به‌جای اتکا بر دانش و کار انباشته شده، بر نگاه کوتاه‌مدت و سلیقه‌ای مدیران و سایر اشخاص مبتنی‌اند. همچنین، این موضوع نشان می‌دهد که طرح جامع مصوب شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۹)، در عمل، به‌عنوان مبنای اصلی فعالیت‌های سازمان و سایر دستگاه‌های اجرایی مورد استفاده قرار نگرفته است [۱۱] برای مثال، در طرح، راهبردها و برنامه‌های ملی مختلفی برای ک.ک.آ.ا اولویت‌دار پیشنهاد شده، اما در عمل بسیاری از آنها مورد توجه سازمان و دستگاه‌ها قرار نگرفته و در ادامه سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر توسط کارگروه‌ها پیشنهاد شده است. ضعف جایگاه قانونی مصوبات شورای اجتماعی کشور یکی از دلایل، عدم اجرای برخی از سیاست‌ها توسط سازمان و دستگاه‌هاست [۱۰]. همچنین بررسی عناوین آسیب‌های تعیین شده در طرح جامع نشان می‌دهد که چارچوب مفهومی مدون و دقیقی برای دسته‌بندی و گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد و برخی از موارد مطرح شده، جزو آسیب یا مسئله اجتماعی محسوب نمی‌شوند و بیشتر در قلمرو مسائل امنیتی، اطلاعاتی، قضایی قرار می‌گیرند. مسئله دیگر، ماهیت برخی مصادیق است که به‌عنوان آسیب اجتماعی قلمداد شده‌اند؛ برای مثال، «بی‌اعتمادی اجتماعی» لزوماً با طراحی برنامه‌های عملیاتی قابل کاهش نیست؛ چراکه این مسئله، بیشتر نتیجه عملکرد نهادهای مختلف و کیفیت روابط اجتماعی در سطح جامعه است. همچنین، مسئولیت اجرای برخی اقدامات مربوط به ک.ک.آ.ا به دستگاه‌هایی سپرده شده است که عملاً جزو وظایف اصلی و تخصصی آنها محسوب نمی‌شود؛ به‌عنوان نمونه، در طرح مسئولیت مقابله با مفاسد اخلاقی به نیروی انتظامی (ناجا) واگذار شده است، در حالی که براساس لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور (۱۳۵۹)، تربیت منحرفین اجتماعی به این سازمان سپرده شده است. در نهایت، بازنگری دوره‌ای چنین طرح‌هایی ضروری است؛ زیرا مناطقی که به‌عنوان اولویت اقدام تعیین شده‌اند، ممکن است میزان و نوع آسیب‌های آنها در فواصل زمانی مختلف تغییر کنند، امری که در عمل نیز در برخی موارد مشاهده شده است. درخصوص ایده شبکه خدمات یکپارچه جامع و همگانی سلامت روان و اجتماعی (سامان) باید گفت، ایده‌ای نوآورانه است و اجرای کامل آن می‌تواند به هماهنگی دستگاه‌ها و همچنین ک.ک.آ.ا منجر شود؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که چنین شبکه‌ای تاکنون به دلایل مختلف ایجاد نشده است. نخست، بسیاری از بخش‌ها و فرایندهای موجود در برنامه‌های مرتبط با این شبکه، نظیر سراج، ماج، نماد و کاج، شکل نگرفته و اجزای آنها با ضعف‌های زیادی مواجه هستند. برای مثال در حال حاضر در کل کشور ۱۰۳ مرکز سراج وجود دارد که فقط در ۲۸ مورد دبیرخانه بین‌بخشی آنها در فرمانداری‌ها تشکیل شده و حتی در برخی موارد نیز لزوماً اصول تشکیل آنها به‌درستی رعایت نشده است.^۱ همچنین، در گزارش عملکرد سازمان، به دفاتر تسهیلگری وزارت کشور اشاره شده است؛ باین حال، در حال حاضر چنین دفاتری وجود ندارد. موضوع بعدی این است که به‌منظور تأثیرگذاری بر تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت و براساس مصوبه شورای اجتماعی (۱۴۰۰)، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها موظف شده‌اند که کارشناسان سلامت اجتماعی را به‌عنوان هماهنگ‌کننده بین دستگاه‌های مختلف مستقر کنند تا خدمات مناسب را از طریق فرایند هماهنگی برای مددجویان فراهم کند. در حالی که در اکثر فرمانداری‌های کشور، چنین کارشناسانی مستقر نشده‌اند. موضوعات دیگر درخصوص سیاستگذاری سازمان به این شرح است:

■ **تعدد نهادهای سیاستگذار در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی:** در این حوزه، نهادها و دستگاه‌های متعددی در فرایند سیاستگذاری نقش ایفا می‌کنند. از جمله این نهادها می‌توان به شورای اجتماعی کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، ستاد مبارزه با مواد مخدر، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی اشاره کرد. این تعدد، انسجام سیاستگذاری و اجرای آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

۱. دبیرخانه بین‌بخشی به‌عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده عمل می‌کند تا دستگاه‌های خدمت‌رسان در شهرستان را به‌منظور خدمت‌رسانی به مددجویان نیازمند هماهنگ کند.



■ **ورود سازمان به موضوعاتی که چندان در زمره وظایف اصلی آن و اولویت‌دار حوزه اجتماعی نیست:** در این زمینه می‌توان به اقداماتی نظیر اجرای بسته امنیت غذا و تغذیه در استان‌های با ناامنی غذایی و همچنین آزادسازی سواحل کشور و سامان‌دهی آنها اشاره کرد [۸]. برای مثال اقدامات انجام شده در حوزه مدیریت سواحل نظیر استقرار ناجی غریق بیشتر در حیطه فدراسیون مربوطه یا وزارت ورزش و جوانان و مدیریت بحران قرار می‌گیرند، و اقداماتی که در راستای افزایش نشاط اجتماعی در سواحل برگزار شده است، می‌توانستند تحت مدیریت وزارت گردشگری قرار گیرند. براساس بررسی‌ها، موضوع سامان‌دهی سواحل به مثابه یک موضوع اجرایی به سازمان امور اجتماعی تحمیل شده است و سالیانه بخش زیادی بزرگی از اعتبارات سازمان را به خود اختصاص می‌دهد.

■ **عدم تبدیل بسیاری از مطالعات به سیاست و سیاست‌ها به برنامه اقدام:** گرچه مرکز ملی رصد اجتماعی، داده‌های فراوانی از وضعیت اجتماعی کشور گردآوری و تولید و اسنادی نظیر «اطلس آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران» را تهیه کرده است، بسیاری از این مطالعات و داده‌ها، به اسناد سیاستی و قابل اجرا تبدیل نمی‌شوند. به عنوان مثال، در مرکز ملی رصد اجتماعی کشور، حلقه لازم برای تبدیل داده‌های اجتماعی به سند سیاستی و سپس برنامه عملیاتی، شکل نگرفته است [۱۰]. همچنین، بسیاری از اقداماتی که تحت عنوان «سیاستگذاری» مطرح می‌شوند، در عمل فقط در حد سیاست باقی مانده، مبنای برنامه‌ها و اقدامات اجرایی قرار نگرفته و نتایج ملموسی در پی نداشته‌اند. یکی از این موارد، تدوین و ابلاغ دستورالعمل مجامع استانی و شهرستانی سلامت و راهاندازی کانون و مجمع سلامت محله (۱۳۹۶) است [۸]. گرچه این دستورالعمل در سال ۱۳۹۶ ابلاغ شده و اقداماتی نیز در راستای اجرای آن صورت گرفته است، طبق بررسی‌ها، در حال حاضر چنین برنامه‌ای در دست اجرا نیست. مورد دیگر، مسئله پیوست‌نگاری اجتماعی است؛ موضوعی که با وجود تلاش‌های گسترده سازمان امور اجتماعی و شورای اجتماعی کشور برای تدوین و تصویب آیین‌نامه اجرایی آن، در حال حاضر در سازمان برنامه و بودجه متوقف مانده است.

■ **تقلیل سیاستگذاری اجتماعی به سطوح ملی:** آسیب‌های اجتماعی، فراتر از بسترهای ملی، به شدت متأثر از مؤلفه‌های منطقه‌ای و محلی هستند. این امر در کشوری همچون ایران، با گستره جغرافیایی پهناور و تنوع چشمگیر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف، اهمیت دوچندانی می‌یابد؛ تنوعی که ضرورت اتخاذ رویکردهای متناسب با هر منطقه در سیاستگذاری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به عنوان مثال، شواهد نشان می‌دهد که برخی آسیب‌های اجتماعی، مانند اسکان غیررسمی، طلاق، اعتیاد و خودکشی، در شهرستان‌های خاصی از کشور از تراکم قابل توجهی برخوردارند. گرچه در سطح استان‌ها، کارگروه‌های تخصصی امور اجتماعی و فرهنگی به عنوان نهاد متناظر با شورای اجتماعی کشور عمل می‌کنند، به جز برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌های فوق‌العاده، این کارگروه‌ها در عمل، اسناد سیاستی مشخصی را در سطح استان برای مقابله با این آسیب‌ها تولید نکرده‌اند، چرا که بسیاری از آنها فاقد ظرفیت‌های سیاستگذاری هستند.

■ **کنار کشیدن سازمان از طراحی ارائه خدمات اجتماعی از طریق دستگاه‌های متولی و برون‌سپاری آن به نهادهای مختلف:** در برخی دوره‌ها، به ویژه در سال‌های اخیر، س.ا.ا با تأکید افراطی بخش مردم‌نهاد همچون گروه‌های جهادی و سمن‌ها، کوشیده نقش دولت در ک.ک.ا را تا حدی به این نهادها منتقل کنند.^۱ با این حال، کیفیت خدمات اجتماعی ارائه شده در بسیاری از آنها محل تردید است؛ همچنین خدمات تخصصی و مبتنی بر شواهد در آنها به طور گسترده فراهم نیست و از نظر پوشش نیز در سراسر کشور به شکل فراگیر عمل نمی‌کنند. گرچه لازم است میزانی از ارائه خدمات اجتماعی به بخش مردم‌نهاد و حتی بخش خصوصی واگذار شود، باید نهادهای دولتی نیز بخشی از خدمات را به صورت درونی ارائه کنند و برخی از خدماتی که ماهیتاً قابل واگذاری نیستند، مانند خدمات پایه اجتماعی و خدمات حساس نظیر ارزیابی حضانت، مراقبت از کودکان بی سرپرست، جاگذاری کودکان و... باید تقویت گردند و از برون‌سپاری آنها اجتناب شود. همچنین، س.ا.ا اصولاً متولی اجرا خدمات اجتماعی نیست و واگذاری وظایف اجرایی به بخش مردم‌نهاد توسط این سازمان، نسبت مشخص و تعریف‌شده‌ای با برنامه سایر دستگاه‌ها و سازوکارهای برون‌سپاری میان آنها ندارد و امر انسجام‌بخشی حوزه اجتماعی را تضعیف می‌کند.

■ **نبود توافق درباره چيستی برنامه‌های فوق‌العاده، تعدد زیاد برنامه‌ها و مشخص نبودن جایگاه آنها در نظام ک.ک.ا:** باید گفت میان کنشگران این حوزه و س.ا.ا درباره چيستی و مصادیق برنامه‌های فوق‌العاده توافق چندانی وجود ندارد. یکی از دلایل این مسئله، فقدان تعریف روشن از مفهوم برنامه فوق‌العاده و نیز نبود شاخص‌های مشخص برای شناسایی آن است. برای نمونه، اگرچه این مفهوم حدود یک دهه پیش مطرح شده و برنامه‌های متعددی تحت عنوان فوق‌العاده پیشنهاد، تصویب، تأمین اعتبار و اجرا شده، دستورالعمل اجرایی آن در سال ۱۴۰۴

۱. در ادامه به بررسی تنظیم‌گری بخش سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته شده است.

تدوین گردیده است. همچنین در بخش تعاریف اصلاحات اساسنامه سازمان (۱۴۰۴)، هیچ تعریف دقیقی از این اصطلاح ارائه نشده است. همین ابهام و فقدان اجماع سبب شده است تا در گزارش عملکرد س.ا.ا. تصریح شود که برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های مرتبط در حوزه ک.ک.ا.ا، معیار فوق‌العادی را نداشته و در واقع بیشتر ادامه وظایف روتین و جاری آن دستگاه‌ها محسوب می‌شوند [۸]. همچنین در قانون برنامه هفتم پیشرفت، تدوین و ارائه برنامه‌های فوق‌العاده به دستگاه‌های اجرای ذی‌ربط به چند آسیب خاص محدود شده و استفاده از ظرفیت بخش‌های دیگر همچون بخش عمومی و مردم‌نهاد نیز غفلت شده است.

همچنین در سال‌های اخیر برنامه‌های متعددی با عنوان برنامه فوق‌العاده به تصویب رسیده است. برای نمونه، تنها در دوره دولت سیزدهم، ۴۱۰ برنامه در زمینه ک.ک.ا.ا. مختلف پیشنهاد و احتمالاً اجرا شده است. روند اجرای برنامه‌ها در دوره‌های پیش و پس از این دولت نیز تقریباً به همین منوال بوده است [۸]. بررسی‌ها نشان می‌دهند بسیاری از برنامه‌هایی که تحت عنوان فوق‌العاده تعریف شده‌اند، از نظر مبانی تدوین، ضرورت اجرا و حتی ماهیت برنامه بودن، با ابهام مواجه‌اند. به عنوان نمونه، در مورد بخش قابل توجهی از این برنامه‌ها مشخص نیست چه پشتوانه‌ای از مطالعات تخصصی، ساختارهای اجرایی یا منابع مالی برای آنها در نظر گرفته شده و ارزیابی دقیقی از آثار واقعی آنها بر ک.ک.ا.ا، وجود ندارد. در کنار این موارد، طرح‌ها و برنامه‌های مبتنی بر شواهد و نسبتاً کارآمدی نیز طراحی شده‌اند؛ از جمله نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان، دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی، آموزش‌های پیش از ازدواج، برنامه تصمیم و موارد مشابه. با این حال، این برنامه‌های ملی نیز از نظر اثربخشی، پایداری و فراگیری با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند و بهتر بود به جای تخصیص اعتبار به بی‌شمار برنامه فوق‌العاده، این برنامه‌ها تقویت می‌شدند.

فرایند ارائه و تصویب برنامه‌های فوق‌العاده توسط دستگاه‌ها و سایر بخش‌ها، بر پایه طرح موضوع در کارگروه‌های تخصصی و **استدلال و اقناع** اعضا نسبت به کارآمدی آنها انجام می‌شود. براساس بررسی‌ها، این فرایند در سال‌های اخیر تا حدی تضعیف شده و از رویکرد کارشناسی اولیه فاصله گرفته است. یکی از مدیران دستگاه‌های اجرایی در توضیح این روند بیان کرده است: «در سال‌های ابتدایی، وقتی برای تصویب برنامه به س.ا.ا. می‌رفتیم، از ما می‌خواستند چند نفر حضور پیدا کنیم و طرح را توضیح دهیم تا اعضا قانع شوند که این برنامه واقعا فوق‌العاده است. بنابراین ناچار بودیم نشان دهیم که طرح ما جزو وظایف ذاتی دستگاه نیست و دارای ویژگی خاص است که می‌تواند تحرکی ایجاد کند. اما اکنون الگو تغییر کرده؛ من می‌توانم با تغییر ظاهری در برنامه‌های جاری، آنها را به عنوان برنامه فوق‌العاده معرفی کنم و امتیاز بگیرم. به نظر می‌رسد سازمان به تدریج در حال تصمیم‌گیری مستقل در مورد نحوه هزینه‌کرد بودجه است؛ به گونه‌ای که این تصمیم‌گیری دیگر **خرد دستگاهی یا مبتنی بر هماهنگی دبیرخانه‌ای نیست**، بلکه سازمان خود تصمیم می‌گیرد که بودجه را به چه کاری تخصیص دهد». همچنین فرایند پیچیده تصویب برنامه‌های فوق‌العاده که منشأ آن استمرار تضاد میان سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اجتماعی براساس برنامه هفتم است، عملاً کارآمدی این برنامه را با چالش جدی مواجه کرده است.

دستگاه‌های دیگر نیز نقد می‌کنند که برخی از برنامه‌هایشان که ویژگی‌های یک برنامه فوق‌العاده را داشته‌اند، تحت حمایت سازمان قرار نگرفته‌اند. همچنین پیشنهادهایی درباره تقویت برنامه‌های موجود کمتر مورد توجه واقع شده است. از سوی دیگر، کوتاه بودن دوره‌های مدیریتی سبب شده است تا به جای ارزیابی برنامه‌های پیشین و تقویت آنها، صرفاً طرح‌های جدیدی با عنوان برنامه فوق‌العاده ارائه شود. در مجموع، می‌توان گفت هنوز در حوزه آسیب‌های اجتماعی، برنامه‌ای بنیادین و منسجم همچون ایده «سامان» که بتواند از طریق شناسایی زود هنگام، مداخلات مؤثر، و ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی برای افراد در معرض آسیب به کاهش پایدار این معضلات کمک کند، شکل نگرفته است. البته تلاش‌های ارزشمندی در این زمینه انجام شده و برنامه‌هایی نیز تدوین شده، اما با وجود گذشت سال‌ها، این برنامه‌ها به دلایل گوناگون هنوز به مرحله فراگیری و اثربخشی مورد انتظار نرسیده‌اند.

۲-۵. هماهنگی و هم‌افزایی

در این بخش، مروری بر مهم‌ترین اقدامات انجام شده در دو بخش شامل اقدامات عمومی و تشکیل کارگروه‌ها جهت هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌ها و برنامه‌ها توسط س.ا.ا. ارائه شده است.

۱-۲-۵. اقدامات عمومی به منظور هماهنگی و هم‌افزایی بخش‌های مختلف در راستای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

شورای اجتماعی کشور و س.ا.ا، مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ها را با هدف هماهنگی و هم‌افزایی به اجرا رسانده‌اند. این اقدامات شامل برگزاری جلسات کارشناسی، تهیه طرح تقسیم کار ملی، ایجاد ائتلاف‌های جمعی و سایر سازوکارهای مرتبط بوده است. به طور خاص‌تر، عمده اقدامات عبارت بوده‌اند از:

- برگزاری جلسات شورای اجتماعی کشور که برخی از آنها با حضور ریاست محترم جمهور صورت گرفته است.
- انعقاد تفاهم‌نامه‌های متعدد با دستگاه‌های مختلف، استانداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و دستگاه‌های استانی به منظور اجرای برنامه‌های فوق‌العاده در زمینه ک.ک.آ.ا در سطح ملی و استانی.
- **تشکیل کارگروه‌های موضوعی و تخصصی:** به منظور انجام اقدامات فوق‌العاده و ایجاد هماهنگی و انسجام در اجرای برنامه‌های ک.ک.آ.ا و همچنین هماهنگی برنامه‌ها، کارگروه‌های متعددی در معاونت امور آسیب‌ها و مسائل اجتماعی با مشارکت دستگاه‌های مختلف تشکیل گردید. در بخش‌های بعد بیشتر به بررسی این کارگروه‌ها پرداخته شده است. در خصوص برخی از آسیب‌های اجتماعی نیز عمده اقدامات برای هماهنگی عبارت بوده‌اند از:

الف) تکدی‌گری: سامان‌دهی متکدیان با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط از طریق نظارت بر اجرای آیین‌نامه شورای عالی اداری در خصوص سامان‌دهی متکدیان (۱۳۷۸)، برگزاری دوره آموزشی کارآفرینی و کارگاه خوداشتغالی جهت ارتقای سطح زندگی، پیگیری تأمین اعتبار برای هزینه‌های تملیکی و...، پیگیری ایجاد و راه‌اندازی مرکز سامان‌دهی متکدیان در برخی از استان‌ها، تجهیز ۴۲ مجتمع سامان‌دهی متکدیان در کل کشور، برگزاری جلسه با نهادهای متعدد از جمله استانداری‌ها و...

ب) حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های غیررسمی و نقاط حاد و بحران: مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این حوزه شامل اقدامات ستادی و اقدامات فوق‌العاده است. در بخش ستادی، بر جسته‌ترین اقدام، طرح موضوع حاشیه‌نشینی در جلسات شورای اجتماعی بوده که در پی آن، منابع مالی لازم تخصیص یافت و برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی عضو شورا به‌طور هدفمند به‌سوی مناطق حاشیه‌نشین هدایت شده است. همچنین، برای کاهش و کنترل این آسیب اجتماعی، مجموعه‌ای از اقدامات اساسی به اجرا درآمده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تشکیل کارگروه امور اجتماعی، فرهنگی و سلامت در استان‌های سراسر کشور برای مدیریت و تعیین برنامه‌های مرتبط با مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی با مسئولیت معاونین سیاسی، امنیتی و اجتماعی و دبیری مدیران کل دفاتر امور اجتماعی استانداری‌ها و نظارت بر آن.

■ هدایت و اولویت‌بخشی برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی به سمت کاهش و کنترل مسائل اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین از طریق انعقاد تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرایی دولتی و نهادهای غیردولتی.

■ اجرای ۵۷ برنامه برای ک.ک.آ.ا در مناطق هدف، در چارچوب «تقسیم کار ملی» و از طریق انعقاد تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی. این اقدامات عبارتند از: توانمندسازی حرفه‌ای زنان سرپرست خانوار ساکن در محلات حاشیه‌نشین پنج استان، توانمندسازی ساکنان محلات با همکاری دفاتر تسهیلگری در استان‌های هدف با رویکرد توسعه کسب و کارهای خرد، ایجاد پایگاه‌های فرهنگی و استقرار روحانیون برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و دینی، اجرای برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی در برخی استان‌ها از طریق انعقاد تفاهم‌نامه و تخصیص اعتبارات لازم با مراکز حوزه‌های علمیه و سازمان تبلیغات اسلامی، هدایت و اولویت‌دهی به برنامه‌های اجتماعی استانداری‌های سراسر کشور با تمرکز بر موضوع حاشیه‌نشینی و تخصیص اعتبارات ویژه برای اجرای برنامه‌های ک.ک.آ.ا در مناطق کمتر توسعه‌یافته و دارای وضعیت حاد و بحرانی در ۳۱ استان (برای هر استان یک شهرستان). عمده اقدامات فوق‌العاده به منظور کنترل و کاهش حاشیه‌نشینی نیز عبارت بوده‌اند از:

■ تخصیص اعتبار برای تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای برای ارتقای بهره‌وری فضاهای اجتماعی فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی ۳۱ استان.

■ ایجاد ۱۳۵ دفتر تسهیلگری و توسعه محلی در ۲۳۳ محله حاشیه‌نشین ۲۲ استان اولویت‌دار در طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۷ با مشارکت مؤسسات غیردولتی. هدف ایجاد نهادهای محلی مذکور آسان‌سازی روند و سرعت بخشیدن به امور برای حل مسائل گروهی و جمعی در

مناطق حاشیه‌نشین بود. اقدامات متعددی ذیل این دفاتر از جمله حل مسئله توسط نهادهای بالادستی و ساکنان محلی از طریق گروه‌سازی انجام شد. گفتنی است قبل از دستیابی به نتایج برنامه در فاز نهایی، دفاتر تسهیلگری تعطیل شدند.

■ **حمایت از برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی:** مانند سازمان بسیج، سازمان فنی و حرفه‌ای، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، قرارگاه خاتم‌الاولیا و...

ج) اقدامات مرتبط با مناطق حاد و بحرانی: اقدامات صورت پذیرفته در راستای رسیدگی به این مناطق عبارت‌اند از:

■ تعیین ۳۱ شهرستان به‌عنوان نقاط حاد و بحرانی با استناد به اخذ و انطباق اطلاعات شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و تعیین و تخصیص اعتبار برای آنها و اعلام به استانداران برای ارائه برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشنهادی جهت ارتقای اجتماعی - فرهنگی مناطق یاد شده از طریق جلب مشارکت سمن‌ها و ایجاد دفاتر تسهیلگری و انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان بسیج مستضعفین در سال ۱۳۹۸ به‌منظور اجرای برنامه‌های ک.ک.آ. در ۳۱ شهرستان مصوب.

■ تخصیص اعتبار از ردیف اعتبارات هزینه‌ای و تملکی جهت اجرای برنامه‌های ک.ک.آ. و اشتغال‌زایی در استان‌های مرزی.

■ تجهیز مدارس در مناطق حاشیه‌نشین و شهرستان‌های محروم ۳۱ استان (هر استان یک شهرستان) شامل ۱۵۰۰ محله و ۲۵۰۰ مدرسه از محل اعتبارات تملکی.

■ تأمین تجهیزات مراکز فنی و حرفه‌ای در ۳۱ شهرستان محروم در ۳۱ استان کشور با هدف تقویت مراکز آموزشی/توانمندسازی و ایجاد اشتغال.

■ تأمین تجهیزات و تعمیرات اساسی سازمان بهزیستی در استان‌های کشور در جهت ک.ک.آ.

■ تجهیز سالن‌های ورزشی مناطق حاشیه‌نشین و توسعه‌نیافته در ۳۱ استان و... [۷ و ۸].

۲-۵. کار گروه‌های موضوعی به‌عنوان ابزار هماهنگی و هم‌افزایی

یکی دیگر از ابزارها برای سیاست‌گذاری و ایجاد هماهنگی در راستای ک.ک.آ.، تشکیل کار گروه‌های موضوعی در معاونت امور آسیب‌ها و مسائل اجتماعی با مشارکت دستگاه‌های مختلف است. اهم وظایف این کار گروه‌ها عبارت‌اند از:

■ انجام بررسی‌های کارشناسی و ارائه راهکار و تدابیر لازم در زمینه وظایف ذی‌ربط کار گروه به شورا؛

■ پیشنهاد راهکار و تدابیر لازم در زمینه پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش مسائل و مشکلات حوزه ذی‌ربط؛

■ زمینه‌سازی برای ایجاد هماهنگی و وحدت رویه میان دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه کار گروه؛

■ ایجاد هماهنگی مقدماتی میان اعضای ذی‌ربط شورای اجتماعی کشور پیرامون دستور جلسات شورا؛

■ بررسی روند اجرایی مصوبات شورای اجتماعی کشور و کمک به اجرای مصوبات از طریق ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها و رفع اختلاف و مشکلات احتمالی در حدود اختیارات. ماحصل اقدامات کار گروه به این شرح است:

- **کار گروه ترویج ازدواج و کنترل و کاهش طلاق:** کار گروه طلاق در سال ۱۳۹۴ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و با مشارکت دستگاه‌های اجرایی تشکیل شده است.^۱ اقدامات متعددی ذیل این کار گروه انجام شده است که اهم آنها عبارت‌اند از: توسعه و ارتقای آموزش‌های پیش و پس ازدواج، ارتقا و افزایش ساعت‌های آموزش پیش از ازدواج از ۲ به ۶ ساعت، تولید سرفصل‌های نوین برای آموزش‌های قبل از ازدواج، توسعه آموزش‌های خانوادگی به دوره پس از ازدواج به ۵ سال، پذیرش متقاضیان در ۱۵۰ مرکز دولتی بهزیستی و ۲۸۱۹ مرکز مشاوره خصوصی، راه‌اندازی ۶۰۲ مرکز مشاوره در معیت دادگاه‌های خانواده و به‌کارگیری ۹۳۰ مشاور توسط قوه قضائیه، ایجاد ۱۹۸ مرکز ملاقات فرزندان طلاق، افزایش ۱۵ درصدی صلح و سازش در میان زوجین طلاق توافقی، حمایت از طرح بهار نیکو در شیراز (آموزش و مشاوره زوجین متقاضی طلاق)، راه‌اندازی سامانه تصمیم در ۳۱ استان و همچنین ۳۸۰ شهر بالای پنجاه هزار نفر، تشکیل ۳۱ واحد مشاوره و ۳۱ شورای مشورتی در دادگستری استان‌های سراسر کشور، راه‌اندازی ۳۰۹ شعبه تخصصی دادگاه خانواده، راه‌اندازی ۱۶ مرکز غربالگری و ۱۲۰ مرکز مشاوره در استان تهران، طراحی شیوه‌های شناسایی خانواده‌ها از طریق گروه‌های مرجع، شناسایی و ارزیابی ۳۰۰ مجموعه مردمی فعال در حوزه تحکیم بنیان خانواده و...
- **کار گروه کنترل و کاهش اعتیاد:** برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مربوط به کنترل و کاهش اعتیاد در چارچوب طرح تقسیم کار ملی با محوریت

۱. در یک دوره مسئولیت این کار گروه به گروهی دیگر سپرده شد.



ستاد مبارزه با مواد مخدر سازمان دهی شده است. در قالب این برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات و دستاوردهای ذیل با مشارکت دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط حاصل شده است: اجرای طرح تشدید جمع‌آوری خرده‌فروشان و توزیع کنندگان مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، راه‌اندازی مراکز درمان نگهدارنده با داروهای آگونیست به صورت رایگان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوع پیشگیری از سوء مصرف الکل و مواد مخدر، سیگار و قلیان، ناامن‌سازی محیط‌های تولید و توزیع مواد مخدر صنعتی با استفاده از ظرفیت بسیج، برگزاری کارگاه سبک زندگی ویژه معتمدان بهبودیافته مراکز ماده (۱۶) اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر و زندانیان معتاد، اجرای طرح یاریگران زندگی در محیط مدارس با هدف پیشگیری از اعتیاد، ناامن‌سازی محیط‌های تولید و توزیع مواد مخدر با استفاده از ظرفیت بسیج و....

● **کارگروه کنترل و کاهش مفاصل اخلاقی:** این کارگروه با محوریت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه تشکیل شده است، بدین معنی که ریاست کارگروه بر عهده این معاونت است و این نهاد، نقش اصلی را در هدایت و پیشبرد فعالیت‌های کارگروه ایفا می‌کند. سایر سازمان‌ها و نهادها نیز در این کارگروه مشارکت خواهند داشت، اما رهبری و هماهنگی کلی بر عهده معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه است. اهم اقدامات و دستاوردهای این کارگروه به این شرح بوده است: ایجاد دوره‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف نظیر زنان در معرض خطر، همسران و فرزندان زندانیان، جوانان در مناطق حاشیه‌نشین و...، تولیدات فرهنگی، برگزاری اردوی مذهبی برای دانشجویان، برگزاری کارگاه اصلاح و بازاجتماعی کردن مرتکبین جرائم علیه امنیت اخلاق، برگزاری کارگاه‌های اصلاح و بازاجتماعی کردن زندانیان، تشدید مبارزه با شبکه‌ها و باندهای سازمان‌یافته و پنهانی مؤثر در ایجاد و گسترش مفاصل اخلاقی، آموزش مهارت‌های مدیریت عواطف و هیجانات در دوره بلوغ، آموزش و ارائه خدمات پیشگیری از بارداری در زنان با رفتارهای پرخطر و آموزش مهارت‌های شغلی به زندانیان و همسران و فرزندان آنان.

● **کارگروه سامان‌دهی امور کودکان کار و خیابان:** عمده اقدامات به‌منظور هماهنگی و کنترل این آسیب عبارت‌اند از: انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بین س.ا.ا و سازمان بهزیستی با سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و استان‌ها و تأمین اعتبار آن، برگزاری نشست‌های تخصصی با سازمان‌های مردم‌نهاد و دفتر نمایندگی یونیسف در ایران، بازنگری و اصلاح آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی در سال ۱۳۹۹، اخذ و بررسی برنامه‌های فوق‌العاده دستگاه‌های ذی‌ربط، تخصیص اعتبار جهت شناسایی، جذب و سامان‌دهی کودکان کار و خیابان از سطح شهرها به خصوص در استان تهران، تخصیص اعتبار به دستگاه‌های ذی‌ربط به‌منظور فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی از معضلات جامعه کودکان کار و خیابان و پیامدهای ناشی از این معضل و کمک به تجهیز و راه‌اندازی مراکز سامان‌دهی کودکان کار و خیابان تحت پوشش سازمان بهزیستی.

● **کارگروه‌های تخصصی در دولت سیزدهم:** در این دوره ۱۳ کارگروه تخصصی علمی و عملیاتی ک.ک.آ.ذیل شورای اجتماعی کشور تشکیل و راه‌اندازی شده است. این کارگروه‌های سیزده‌گانه در حوزه‌های اعتیاد، طلاق، مفاصل اخلاقی، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق حاد، زنان سرپرست خانوار، کاهش تجرد و روند سالمندی جمعیت، افزایش سرمایه اجتماعی، صیانت از فضای مجازی، مشارکت‌های اجتماعی و تقویت گروه‌های مردمی و جهادی، نظام جامع رصد اجتماعی کشور، کودکان کار و خیابان، خودکشی و آسیب‌های حوزه دانش‌آموزی بوده‌اند. در این دوره ذیل این کارگروه‌ها ۱۷۲ جلسه با حضور و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط، صاحب‌نظران مراکز علمی و دانشگاهی و حوزوی، تشکل‌های مردم‌نهاد و خیرین به‌منظور بررسی کارشناسی موضوعات اولویت‌دار، بررسی برنامه‌های فوق‌العاده دستگاه‌های ذی‌ربط و استانداردهای سراسر کشور و همچنین طرح و برنامه‌های واصله از سایر مراجع ذی‌ربط از جمله تشکل‌های مردم‌نهاد، برگزار شده و حدود ۲۸۸ مصوبه در خصوص موضوعات به تصویب رسیده است. اقدامات بسیاری ذیل این کارگروه‌ها از طریق حمایت از دستگاه‌های دولتی و نهادهای غیردولتی انجام شده است که اهم آنها عبارت‌اند از: اجرای ۶۶ برنامه فوق‌العاده کنترل و کاهش اعتیاد به مواد مخدر، اجرای ۸۱ برنامه فوق‌العاده ترویج ازدواج کنترل و کاهش طلاق، اجرای ۵۶ برنامه فوق‌العاده کنترل و کاهش حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، اجرای ۱۶۵ برنامه فوق‌العاده کنترل و کاهش مفاصل اخلاقی، اجرای ۱۰ برنامه فوق‌العاده کاهش کودکان کار و خیابان، اجرای ۱۶ برنامه فوق‌العاده کنترل و کاهش آسیب‌های فضای مجازی، اجرای ۱۶ برنامه فوق‌العاده کنترل و کاهش خودکشی، مدیریت و نظارت بر اجرای برنامه‌ها در سطح استانی، انعقاد بالغ بر ۳۰ تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی و گروه‌های جهادی به‌منظور اجرای طرح‌ها و برنامه‌های فوق‌العاده پیشنهادی و....

در نهایت، عمده اقدامات در دولت چهاردهم در راستای هماهنگی و هم‌افزایی بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف عبارت‌اند از:

■ بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگی و هدایت پژوهش‌های اجتماعی به سمت مطالعات کاربردی در حوزه ک.ک.ا.ا.

■ مدیریت و انسجام بخشی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های قوای سه‌گانه به منظور ارتقای سلامت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی: از عمده اقداماتی که در این حوزه انجام شده عبارت‌اند از: انسجام و هماهنگی بین بخشی از طریق عضویت دستگاه‌های اجرایی مرتبط و نیروهای جهادی و مردمی در کارگروه‌های علمی و عملیاتی ک.ک.ا.ا. ذیل شورای اجتماعی (برگزاری ۱۱۰ جلسه و ۳۷۳ مصوبه)، تهیه شاخص‌های تخصصی ارزیابی تکالیف و وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی در حوزه ک.ک.ا.ا، انعقاد بالغ بر ۳۰ تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی و گروه‌های جهادی به منظور اجرای طرح‌ها و برنامه‌های فوق‌العاده پیشنهادی.

■ هماهنگی و نظارت بر اجرای برنامه‌های مرتبط با بهبود وضعیت کودکان کار: عمده اقدامات این کارگروه عبارت‌اند از: ایجاد کارگروه ملی کنترل و کاهش کودکان کار و خیابان و هماهنگی بین بخشی (برگزاری ۱۱ جلسه)، اخذ و بررسی برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و تصویب و ابلاغ اعتبار برای اجرای آنها (۶ برنامه توسط سه دستگاه) میزبانی ۵۳ گروه جهادی و مؤسسه مردم‌نهاد و حمایت مالی از آنها، شناسایی ۱۶۰۰ کودک کار از طریق اجرای پروژه مردمی سازی شناسایی کودکان کار و...

■ سامان‌دهی اجتماعی - فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین و نقاط حاد بحرانی: ایجاد کارگروه ملی و استانی سامان‌دهی حاشیه‌نشینی و نقاط حاد و بحرانی و هماهنگی بین بخشی، بررسی آمار نقاط حاشیه‌نشین و اولویت‌بندی آنها با اجماع دستگاه‌های عضو کارگروه و تعیین ۳ فاز عملیات اجرایی، بررسی برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و تصویب و ابلاغ اعتبار برای اجرای ۳۹ برنامه توسط ۱۶ دستگاه، تدوین آیین‌نامه اجرایی تشکیل دفاتر تحول اجتماعی در استان‌ها و تصویب در شورای اجتماعی کشور، ابلاغ اعتبار تشکیل و اجرای برنامه‌های دفاتر تحول اجتماعی نقاط حاشیه‌نشین به استانداری‌ها [۸].

در دولت چهاردهم نیز، با بهره‌گیری از آسیب‌شناسی عملکرد کارگروه‌های دولت سیزدهم در زمینه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و به موجب مصوبه شورای اجتماعی کشور، چهار کارگروه تخصصی شامل «ارتقای سرمایه اجتماعی»، «رصد و پایش عملکرد»، «آسیب‌های اجتماعی» و «خانواده» تشکیل شد. هریک از این کارگروه‌ها، کمیته‌های تخصصی مرتبط خود را نیز راه‌اندازی کرده‌اند. در این ساختار، با تلفیق ظرفیت نهادهای دولتی و مردمی، مجموعه برنامه‌های حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی تدوین، تصویب و اجرایی شده است.

۳-۲-۵. ارزیابی اقدامات در راستای هماهنگی و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار

براساس بررسی‌ها، عمده ظرفیت‌ها و سازوکارهای برای ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین بخش‌های مختلف در حوزه ک.ک.ا.ا عبارت‌اند از: جایگاه نهادی شورای اجتماعی و برگزاری برخی از جلسات این شورا در بالاترین سطح، مقررات و مصوبات شورا، وجود سازمان امور اجتماعی و دفاتر فرهنگی و اجتماعی استانداری، ابلاغ مصوبات شورا به دستگاه‌ها و تلاش برای پیگیری آنها، تدوین گزارش عملکرد سالیانه دستگاه‌ها، هماهنگی، همکاری و حمایت از برنامه‌ها و اقدامات اجتماعی دستگاه‌ها و نهادها، پیگیری برگزاری کارگروه‌های تخصصی ذیل شورا و نظارت بر عملکرد آنها، بررسی مصوبات و در صورت ضرورت تذکر و پیگیری لازم آنها، رفع موانع و فعالیت‌های استان‌ها، ایجاد ائتلاف‌ها و همکاری‌های بین بخشی، تدوین تقسیم کار ملی، مدیریت منابع و تأمین مالی، تشکیل کارگروه‌ها و انعقاد تفاهم‌نامه.

همچنین براساس بررسی‌ها، با وجود برخی مزیت‌ها که در بخش قبل مرور شدند، موفقیت شورای اجتماعی و به تبع آن س.ا.ا در کاهش موازی‌کاری و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی مؤثر میان بخش‌های مختلف، اندک بوده و دستاوردهای چندانی در این حوزه حاصل نشده است. البته این روند در دوره‌های زمانی مختلف، نوسان داشته است؛ به نحوی که در سال‌های اولیه ارتقای شورا و ایجاد سازمان، هنگامی که مسئله ک.ک.ا.ا جزو اولویت‌های ملی بود، مباحث به صورت جدی‌تری پیگیری شده و اقدامات مؤثرتری صورت پذیرفته بود؛ اما در سال‌های اخیر، از پویایی سازمان کاسته شده است، اقدامات اثربخش در این زمینه محدود به نظر می‌رسد و برخی از برنامه‌ریزی‌ها کنار گذاشته شده است. موفقیت اندک در این حوزه ناشی از چالش‌های مختلف فراتر از سازمان امور اجتماعی و برخی از راهبردهای اتخاذ شده توسط این سازمان بوده که در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است.

تعدد نهادهای تنظیم‌گر: همان گونه که پیش‌تر مرور شد، چندین نهاد تنظیم‌گر در حوزه ک.ک.ا.ا فعال هستند که در حال حاضر ستاد مبارزه با مواد مخدر و س.ا.ا از جمله برجسته‌ترین آنها محسوب می‌شوند. این تعدد، چالش‌هایی را در عمل به وجود آورده و به سردرگمی دستگاه‌ها در خصوص سیاست‌ها و نحوه توزیع اعتبارات منجر شده است. به عنوان مثال، در حوزه کنترل اعتیاد، دستگاه‌ها از تجربه «پاسکاری»



شدن بین نهادهای تنظیم‌گر یاد کرده‌اند. علاوه بر این، میان کنشگران این حوزه، درک دقیقی از نحوه ارتباط میان نهادهای تنظیم‌گر و مجری وجود ندارد. این وضعیت همچنین به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های متفاوتی در قبال مسئله واحد منجر شده؛ به‌طوری که در برخی موارد، اقدامات نهادهای تنظیم‌گر، برنامه‌های سایر دستگاه‌ها را تضعیف کرده است. در این زمینه می‌توان به اقدامات و برنامه‌های مرتبط با سامان‌دهی معناتان بی‌خانمان، برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط آموزش و... اشاره کرد.

جانمایی نهاد تنظیم‌گر امور اجتماعی در بدنه دولت و نادیده گرفتن سایر بخش‌های جامعه: به‌طور کلی، ۶ دسته نهاد در حوزه ک.ک.آ.ا فعالیت می‌کنند: دولت، حاکمیت، بخش‌های عمومی، خصوصی، مردم‌نهاد و سازمان‌های بین‌المللی. با این حال، وظیفه تنظیم‌گری امور اجتماعی در نهاد دولت جانمایی شده است. البته، این موضوع به‌خودی‌خود مسئله نیست، اما نداشتن اقتدار کافی برای تنظیم‌گری نهادهای بیرون از بدنه دولت و رقیب تلقی کردن سایر بخش‌ها و مشارکت ندادن آنها در برخی از موارد، از جمله تصمیم‌گیری‌ها، تبدیل به مسئله شده است.

هم‌عرض بودن وزارت کشور با سایر وزارتخانه‌ها: در سطح ملی، وزارت کشور و وزیر آن با سایر وزارتخانه‌ها و وزرای دیگر، نظیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... هم‌عرض تلقی می‌شوند. این هم‌عرضی به این معناست که وزارت کشور اقتدار لازم را برای الزام سایر وزارتخانه‌ها به اجرای مصوبات و دستورهای خود ندارد و آنها می‌توانند از پذیرش این دستورها امتناع ورزند. با این حال، در سطوح استانی، این وضعیت برای استانداردها و فرماندارها مصداق ندارد [۱۰].

عدم پذیرش اقتدار و مشروعیت س.ا.ا توسط برخی دستگاه‌ها: برخی از دستگاه‌ها به دلیل قدمت و سابقه بیشتر در حوزه ک.ک.آ.ا، بر خورنداری از تخصص و نیروی انسانی بیشتر و چندرشته‌ای، خود را مؤثرتر از س.ا.ا تلقی می‌کنند. در نتیجه، این دستگاه‌ها خود را به پاسخ‌گویی در قبال سازمان ملزم نمی‌دانند. به‌عنوان مثال، برخی از این دستگاه‌ها تنها در مواردی که با سازمان تفاهم دارند، گزارش عملکرد خود را ارائه می‌دهند و از ارائه گزارش سایر برنامه‌ها خودداری می‌ورزند [۷]. جایگاه قانونی ضعیف مصوبات شورای اجتماعی، عدم پیگیری کافی آنها از سوی دبیرخانه شورا و عدم التزام دستگاه‌ها برای اجرای آنها به تشدید این وضعیت دامن زده است [۱۰].

تعدد دستگاه‌های اجرایی و برنامه‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی: بررسی‌ها نشان‌دهنده فعالیت بیش از ۲۰ دستگاه در حوزه ک.ک.آ.ا آسیب‌های اجتماعی است. برخی اقدامات سازمان به افزوده شدن نهادهای جدید به این مجموعه منجر شده است؛ برای مثال، شورای عالی انقلاب فرهنگی در کارگروه طلاق و شهرداری تهران به این جمع پیوسته‌اند. شهرداری تهران^۱، به‌رغم داشتن اعتبارات و برنامه‌های گسترده، عضو شورای اجتماعی نیست. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا به این همه دستگاه برای ک.ک.آ.ا نیاز است؟ اگر چه به دلیل گستردگی گروه‌های هدف و محیط‌های مداخله، ک.ک.آ.ا امری بین‌بخشی و بین‌دستگاهی محسوب می‌شود، در عمل، نیاز به این تعداد از دستگاه وجود ندارد. تعدد دستگاه‌ها نه تنها هماهنگی را دشوار می‌سازد، بلکه به توزیع نامتناسب منابع انسانی و مالی، تعدد برنامه‌ها، عدم اشراف کامل سازمان بر برنامه‌ها و اقدامات و کاهش اثربخشی و هدررفت منابع منجر می‌شود. باید گفت در حوزه ک.ک.آ.ا خدماتی نظیر سلامت، حقوقی، اشتغال، مسکن، و خدمات روانی - اجتماعی نیاز است. این خدمات می‌توانند در چند نهاد تجمیع شوند و از سازوکارهای شناسایی، گزارش‌دهی و ارجاع بهره‌مند شوند. همچنین، در تقسیم کار ملی با تعیین نقش برای دستگاه‌های مختلف مواجه هستیم؛ به‌نحوی که در این طرح برای ۲۶ دستگاه در زمینه ک.ک.آ.ا نقش تعیین شده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد در عمل به بیش از این ۲۶ دستگاه، یعنی دستگاه‌های فراتر از آنچه در طرح جامع ک.ک.آ.ا تعیین شده است اعتبار پرداخت شده است که نشان می‌دهد س.ا.ا به‌نحوی در تشدید این آشفتگی نقش داشته است [۱۰].

کامل نبودن فرایندهای درونی برنامه‌ها و عدم اتصال میان آنها: گزارش‌های ارزیابی برنامه‌های موجود در حوزه آسیب‌های اجتماعی مانند نماد، کاج، سراج، تصمیم، مراکز مهر خانواده، مراکز موضوع مواد (۱۵) و (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر، اورژانس اجتماعی و غیره نشان‌دهنده عدم فراگیری، جامعیت و اثربخشی آنهاست [۱۵-۱۲]. فرایندها و سازوکارهای ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی در این برنامه‌ها ناقص بوده و به دلایلی چون عدم پرداخت به‌موقع اعتبارات کافی، وجود برنامه‌های موازی و اتخاذ رویکردهای سلیقه‌ای توسط متولیان، در

۱. در برخی از کشورها با الهام از رویکرد واگذاری ارائه خدمات اجتماعی به نهادهای محلی، مسئولیت ارائه این خدمات در تمام حوزه‌ها به شهرداری‌ها سپرده شده است و لذا شاهد تعدد دستگاه‌ها در این حوزه نیستیم [۶].

معرض خطر قرار دارند. همان‌طور که در بخش پیشین اشاره شد، وجود شبکه‌ای یکپارچه مانند «سامان» برای ارائه خدمات تخصصی تر و پشتیبانی از برنامه‌ها ضروری است؛ اما در حال حاضر این شبکه ایجاد نشده است. یا در خصوص برنامه «تماد»، عدم اجرای بخش‌های حیاتی آن مانند آموزش‌های ارتقایی، غربالگری، تشخیص، درمان و حمایت‌های اجتماعی، همراه با فروپاشی ائتلاف دستگاه‌های حامی و عدم همراهی کامل آنها، امکان ارائه خدمات جامع و مؤثر به دانش‌آموزان را محدود کرده است. بنابراین، زمانی که برنامه‌های موجود از جامعیت، پایداری، اثربخشی و فراگیری لازم برخوردار نباشند و به‌صورت شبکه‌ای به هم متصل نشده باشند، نهادهای نظارتی مانند شوراها، س.ا.ا و استانداری‌ها، میدان عمل چندانی برای هماهنگی را نخواهند داشت. در چنین شرایطی، مسائل فنی و کارشناسی هماهنگی و هم‌افزایی به دستور توسط مدیران تقلیل یافته و امکان اجرای مؤثر آنها نیز فراهم نخواهد شد.

ضعف در همکاری‌های بین سازمانی و فروپاشی ائتلاف‌ها: به‌رغم تلاش‌های سازمان در ایجاد همکاری‌های بین‌دستگاهی در برنامه‌های مختلفی چون «نماد»، «سامان» و «تصمیم» و...، در حال حاضر هیچ‌یک از این همکاری‌ها به شکل مؤثر و پایدار اجرا نمی‌شوند. دلایل این امر شامل فقدان برنامه مشخص، تکمیل نشدن فرایندهای درونی و بین‌بخشی برنامه‌ها و... است. در نتیجه، این همکاری‌ها یا وجود ندارند یا به شیوه‌ای ضعیف و سنتی انجام می‌شوند.

عدم وفاق میان نهادها و کنشگران در خصوص نحوه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و گروه‌های هدف: در زمینه برخورد با برخی از آسیب‌دیدگان اجتماعی و حل مسائل آنان، از جمله معتادان بی‌خانمان، متکدیان، کودکان کار، افراد دارای فساد اخلاقی و فضای مجازی میان نهادها و کنشگران مربوطه وفاق^۱ وجود ندارد. برای مثال در طول سال‌های گذشته، دو رویکرد عمده در قبال این قشر از آسیب‌دیدگان و نحوه رسیدگی به مشکلاتشان اتخاذ شده است:

الف) رویکرد حمایتی: این رویکرد بر فراهم آوردن خدماتی از قبیل کاهش آسیب‌های ناشی از مصرف مواد یا بی‌خانمانی از طریق مؤسسات و خدمات حمایتی، و همچنین جذب افراد جهت درمان و توانمندسازی تمرکز دارد.

ب) رویکرد انتظامی و قضایی: این رویکرد شامل دستگیری، جمع‌آوری و انتقال افراد به مراکز نگهداری است. ایجاد اردوگاه‌های معتادین و کار درمانی و مراکز ماده (۱۶) نمونه‌هایی از اقدامات در این رویکرد است. در سال‌های گذشته، این دو رویکرد به‌طور نامنظم و متغیر در مواجهه با این گروه‌ها از آسیب‌دیدگان اجتماعی در دستور کار قرار داشته است. به همین ترتیب در کشور سیاست واحدی در قبال چگونگی استفاده از فضای مجازی، فیلترینگ و سالم‌سازی این فضا وجود ندارد [۸]. این دو رویکرد، به‌طور مستقیم موجب اخلاص در فرایند برنامه‌ریزی و اجرا شده‌اند. به‌عنوان نمونه، در حالی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی تلاش کرده‌اند از طریق مراکز کاهش آسیب و سایر مراکز مشابه به معتادان بی‌خانمان خدمات‌رسانی کنند، ستاد مبارزه با مواد مخدر با همکاری سایر دستگاه‌ها، طرح جمع‌آوری و انتقال این افراد به مراکز ماده (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر را پیگیری کرده است. این تعارض در رویکردهای نهادی، در نهایت به تضعیف و اختلال در برنامه‌های کاهش آسیب انجامیده است.

ورود وزارت کشور و س.ا.ا به برخی از حوزه‌های اجرایی: در برخی حوزه‌های مشخص، از جمله مقابله با مصرف مشروبات الکلی، سامان‌دهی متکدیان، آزادسازی سواحل و سامان‌دهی آنها، دفاتر تسهیلگری و راهبری سمن‌ها، وزارت کشور و س.ا.ا به‌طور مستقیم در فرایندهای اجرایی مداخله کرده‌اند. اگرچه اجرای عملی این امور ممکن است به دستگاه‌های اجرایی یا بخش‌های دیگر واگذار شده باشد، مسئولیت و تولیت اصلی اجرا همچنان بر عهده وزارت کشور است. ورود حوزه‌های اجرایی متناسب با وظایف این نهادها مبتنی بر مقررات نیست. پیش‌بینی‌ناپذیری و اختلال در برنامه‌ریزی به واسطه نحوه پرداخت اعتبارات: منابع مالی و نحوه توزیع آنها، ابزاری قدرتمند برای تنظیم‌گری محسوب می‌شوند. باین‌حال، به‌کارگیری این ابزار در سازمان با چالش‌هایی مواجه بوده که مانع از هماهنگی مؤثر شده است. چالش نخست، پیچیدگی و طولانی شدن فرایند توزیع اعتبارات است. در این فرایند، اعتبارات پس از تصویب برنامه‌ها، ابتدا از طریق سازمان برنامه و بودجه به س.ا.ا واریز شده و سپس این سازمان نسبت به تخصیص آن به برنامه‌های مختلف اقدام می‌کند. حتی در برخی از موارد، به‌رغم تصویب برنامه‌های فوق‌العاده در شورای اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه باز هم آنها را به‌منظور پرداخت اعتبار بررسی می‌کند، یعنی ایجاد یک

۱. به‌دلیل تکرار دیدگاه‌ها در حوزه‌های گوناگون و حضور گروه‌های متنوع ذی‌نفع در جامعه، درباره بسیاری از موضوعات و مسائل از جمله چپستی و راهکارهای حل آنها، وفاق وجود ندارد. اشاره در بخش‌های مختلف این متن به «نبود وفاق»، بیانگر وجود چالشی است که در موارد متعدد موجب شده است پایداری نهادهای س.ا.ا و استمرار برنامه‌ریزی‌ها با مانع روبه‌رو گردد.



مرحله اضافی. نحوه تدوین بند «الف» ماده (۸۵) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳) در تشدید این فرایند نقش داشته است.

در برخی موارد، پیچیدگی توزیع اعتبارات به مراتب بیشتر است. به عنوان مثال، وزارت بهداشت یا سازمان بهزیستی برخی از برنامه‌های خود، نظیر برنامه‌های حوزه اعتیاد را هم‌زمان به س.ا.ا و ستاد مبارزه با مواد مخدر ارائه می‌دهند تا برای اجرای آنها اعتبار دریافت کنند. آنها هم‌زمان، بخش دیگری از اعتبارات مورد نیاز خود را مستقیماً از سازمان برنامه و بودجه دریافت می‌نمایند. این وضعیت عملاً امکان دریافت اعتبار برای یک برنامه واحد را از سه منبع مختلف فراهم می‌آورد که با اصول بودجه‌ریزی شفاف همسو نیست. همچنین، تعیین بودجه ک.ک.ا.ا ذیل نهادها و برنامه‌های مختلف در قانون بودجه همچون ستاد مبارزه با مواد مخدر، سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش، کمیته امداد امام خمینی (ره) و ... عملاً انسجام بودجه‌ریزی را با مسئله مواجه کرده است. این در حالی است که فقط بودجه برنامه‌های فوق‌العاده در اختیار س.ا.ا گذاشته شده است و این موضوع سبب شده اولاً این سازمان نتواند راهبری همه اعتبارات را انجام دهد و ثانیاً دستگاه‌ها در قبال اعتباراتی که به صورت مستقیم از سازمان برنامه و بودجه دریافت می‌کنند، پاسخ‌گویی چندانی به س.ا.ا نداشته باشند.

یکی دیگر از چالش‌های اساسی، توزیع دیر هنگام اعتبارات است. به عنوان مثال، بسیاری از اعتبارات در پایان سال به دستگاه‌ها پرداخت می‌شود که به دلیل عدم مدیریت صحیح، یا مسترد می‌شوند یا در صورت هزینه شدن، ممکن است انحرافات در آنها رخ دهد. مسئله مهم دیگر، عدم پایبندی سازمان به تعهدات اعتباری خود در قبال دستگاه‌هاست. برای نمونه، ممکن است در قالب یک تفاهم‌نامه، سازمان برای اجرای یک برنامه، تعهدات مالی به دستگاه‌ها بدهد، اما به دلیل عدم پایبندی به این تعهدات به دلایلی همچون تأمین نشدن اعتبار، برنامه‌ریزی دستگاه‌ها مختل شود. یکی از مدیران دستگاه‌ها این موضوع را به خوبی ترسیم کرده است: «در بحث برنامه سراج گفته است این میزان اعتبار به شما می‌دهم، این تعداد مرکز اضافه کن، در طول دو هفته گذشته که اعتبارات من راداده است، حدود ۳۰ درصد اعتبارها را راداده است، با ۳۰ درصد اعتبار نمی‌تونم اون چیزی که من گفتم را اجرا کنم، اگر از اول به من می‌گفتید، من نمی‌گفتم ۴۵ مرکز دیگر راه‌اندازی خواهم کرد، من ۲۰ تا ایجاد می‌کنم یا ...» و پول را این گونه بین این همه دستگاه و استان توزیع نمی‌کردم، من بین اون چند تا استان و مرکزی که ضروری بود اعتبارات را توزیع می‌کردم، و الان این دستگاه‌ها با ۳۰ درصد اعتبارات نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند و لذا این می‌شود تجربه بد، سال‌های گذشته هم بوده، می‌گن خوب اشکالی ندارد این ۳۰ درصد مرحله اول است، ۵۰ درصد بعدی میاد براتون، کار را انجام دهید، اما ۵۰ درصد بعدی نمیاد، همین الان هم ۵۰ درصد اعتبار سال ۱۴۰۲ نیومده است، [مرحله] سه که بماند، و این بد قولی در استان‌ها و دستگاه‌های تابعه ما جا می‌افتد، لذا هر کی می‌خواهد هر کاری کند عملاً دست و دلش می‌لرزد». این وضعیت، پیش‌بینی ناپذیری و اختلال در برنامه‌ریزی را به همراه دارد.

چالش‌های ساختار سازمانی و نیروی انسانی در س.ا.ا و دفاتر امور اجتماعی - فرهنگی استانداری‌ها: نیروی انسانی، از حیث تعداد و کیفیت یکی از ارکان بنیادین هر سازمان در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها محسوب می‌شود. بر اساس بررسی‌های کارشناسی، در این زمینه کمبودها و چالش‌هایی وجود دارد. نخستین چالش، به نحوه شکل‌گیری س.ا.ا و شتاب‌زدگی در روند تأسیس آن بازمی‌گردد. همچنین، ساختار پیشنهادی سازمان از ابتدا با ابهام‌هایی همراه بوده است؛ به گونه‌ای که بر پایه مستندات موجود، هنوز نحوه دقیق تدوین ساختار سازمانی مشخص نیست. برای نمونه، در ماده (۶) اساسنامه س.ا.ا (۱۴۰۴) به ضرورت بازنگری نمودار سازمانی و تشکیلات تفصیلی سازمان اشاره شده است [۹]. این امر نشان می‌دهد که هنوز نمودار سازمانی و جایگاه‌های شغلی مرتبط به طور کامل تثبیت نشده‌اند و همین مسئله یکی از عوامل تأثیرگذار در موفقیت‌ها و ناکامی‌های اولیه سازمان به شمار می‌رود. موضوع دیگر، مربوط به خروج نیروهای انسانی متخصص و باتجربه در سال‌های اخیر است. این مسئله عمدتاً ناشی از بازنشستگی، جدایی برخی کارشناسان با سابقه و جایگزینی آنان با نیروهای کم‌تجربه‌تر بوده است. پیامد طبیعی چنین روندی، کاهش سطح تخصص و توان کارشناسی سازمان در مقایسه با سال‌های نخست فعالیت آن است.

این وضعیت در دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها و فرمانداری‌ها با شدت و گسترده‌تری از سوی برخی از مصاحبه‌شوندگان گزارش شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد - هر چند محدود - هنگام انتخاب و جذب مدیران، به سوابق سیاسی و امنیتی آنان بیش از تخصص و تجربه اجتماعی توجه می‌شود [۸]. چنین رویکردی، در کنار عدم آشنایی کافی تعدادی از مدیران و کارشناسان با وظایف تخصصی، در برخی از موارد موجب غلبه نگاه دستوری به جای کارشناسی بر فرایندهای تصمیم‌گیری شده است. در نتیجه، در برخی

موارد جلسات کارشناسی به‌جای انجام در سطح داخلی دفاتر، به سایر دستگاه‌ها واگذار یا به‌صورت صوری برگزار شده‌اند. افزون بر این، در برخی دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی، برداشت نادرستی از مأموریت‌های سازمانی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که تصور می‌شود این دفاتر در حال انجام وظایف دستگاه‌های دیگر هستند، و لذا منابع انسانی و کارشناسی کافی برای ایفای مأموریت‌های اصلی خود اختصاص نمی‌دهند. برای نمونه، در شماری از فرمانداری‌ها کمبود نیروی مددکار اجتماعی به‌عنوان هماهنگ‌کننده میان دستگاه‌های مختلف مشهود است. به‌منظور جبران این کمبود، دفاتر درخواست نیرو از سایر دستگاه را داشته‌اند. چالش‌های دیگر در هماهنگی نهادها و اجرای برنامه‌ها عبارت‌اند از:

■ **ضعف در شایسته‌سالاری و رویکرد کارشناسی:** عدم اولویت‌دهی به شایستگی و تخصص در انتخاب مدیران و نیروهای کارشناس به‌ویژه در دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی، به کم‌توجهی به فعالیت‌های کارشناسی و تصمیم‌سازی از سطوح پایین‌تر و غلبه نگاه‌های سلیقه‌ای منجر شده است.

■ **عدم تداوم و استمرار مدیران و جابه‌جایی کارشناسان حتی در درون سازمان بدون توجه به سوابق آنها:** این مسئله سبب ضعف در انباشت دانش مدیریتی سازمانی نیز شده است.

■ **عدم همراهی و همسویی کافی برخی از دستگاه‌ها با تغییرات در حوزه انسجام مدیریت کشور از جمله استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و نیز عدم پویایی و انعطاف برخی از سازمان‌ها با تغییرات روبه‌جلو.**

■ **عدم موفقیت در زمینه ارتقای کیفیت نیروی انسانی و کیفیت کار آنها در حوزه ک.ک.آ.ا در تمام دستگاه‌ها و بخش‌ها.** همچنین ذیل سازمان اجتماعی کشور، نهادسازی‌های متعددی از جمله هیئت‌های اندیشه‌ورز ملی و استانی و کارگروه‌های موضوعی شکل گرفته است. در این بخش به ارزیابی عملکرد کارگروه‌ها نیز پرداخته شده است. به‌طور کلی، بخش عمده فعالیت‌های این کارگروه‌ها به برگزاری جلسات متعدد میان دستگاه‌های متولی درباره سیاستگذاری برای آسیب‌های اجتماعی و هماهنگی دستگاه‌ها اختصاص داشته است. بسته به دوره‌های مختلف، و اینکه چه سازمان‌ها و اشخاصی در کارگروه حضور داشته‌اند یا مسئول و دبیر کارگروه‌ها چه کسانی بوده‌اند، اقداماتی در راستای موارد مذکور انجام شده است. برای مثال در سال‌های اولیه شکل‌گیری سازمان، کارگروه‌ها پویاتر بوده‌اند و زمانی که مدیران متخصص و با فراغت‌بال، مسئولیت این کارگروه‌ها را به عهده گرفته بودند، مؤثرتر عمل کرده‌اند. انجام جلسات کارشناسی راجع به موضوعات، بحث و استدلال فنی و توجیه اعضای کارگروه و مدیران سازمان برای تصویب برنامه‌ها، از جمله دستاوردهای آن بوده است. به‌رغم موارد نام‌برده، ایجاد و فعالیت این کارگروه‌ها به یکی از نقاط چالش‌برانگیز س.ا.ا تبدیل شده است و بسیاری از کارشناسان، عملکرد آنها را موفق ارزیابی نکرده‌اند. یکی از کارشناسان سابق سازمان در این باره چنین توضیح می‌دهد: «نمی‌دانیم ملاک تشکیل این کارگروه‌ها و نوع تقسیم‌بندی‌شان چیست. اگر دقیق‌تر به ساختار س.ا.ا نگاه کنید، می‌بینید نهادسازی‌های متفاوتی ذیل آن صورت گرفته؛ زمانی شورای اندیشه‌ورزها ایجاد شد، بعد شورای اندیشه‌ورزان استانی، سپس کارگروه‌های مختلف و مراکز رصد شکل گرفتند. اگر به این روند دقت کنید، می‌بینید این‌ها نشانه آن است که برنامه مشخصی وجود ندارد؛ از شون یک بار عبور می‌کردیم، عدول می‌کردیم، بعد نهادسازی‌های جدید ایجاد می‌شد...». براساس بررسی‌ها عمده عوامل عدم موفقیت این کارگروه‌ها به این شرح است:

■ **عدم شکل‌گیری آنها براساس مطالعات علمی و تعدد این کارگروه‌ها بدون ترسیم برنامه‌ای دقیق برای آنها.**

■ **تصویب مصوبات کارگروه‌ها با حداقل اعضا:** براساس مصوبات، کارگروه‌ها می‌توانند با نصف اعضا تشکیل شوند و مصوبات آن با کسب دوسوم آرای حاضرین معتبر خواهد بود [۸].

■ **تضعیف و کم‌رنگ شدن کار علمی و استدلال‌های کارشناسی در ارائه و تصویب برنامه‌ها، و تبدیل جلسات به نشست‌هایی غیرهدفمند و صوری:** یکی از مدیران وزارت بهداشت این موضوع را چنین توضیح داده است: «متأسفانه طرح‌ها از پایین به بالا شکل نمی‌گیرند تا بتوان گفت حاصل کار کارشناسی و فنی هستند. انتظار می‌رود در کارگروه‌ها با انجام فعالیت‌های کارشناسی، طرح‌های مشخصی تدوین شود تا سازمان نیز به آن توجه کرده و منابع لازم را اختصاص دهد؛ اما در عمل چنین نیست. جلسات صرفاً به گردهمایی، تهیه صورت جلسه و گفت‌وگوهای پراکنده محدود می‌شود و از هدفمندی لازم برخوردار نیست». براساس بررسی‌ها، بسیاری از اقداماتی که ذیل این کارگروه‌ها انجام شده‌اند، فاقد پشتوانه علمی و خلاقیت و با موازی‌کاری همراه بوده‌اند و مهم‌تر از همه آنکه جزو وظایف س.ا.ا محسوب نمی‌شوند، یعنی به‌جای تمرکز بر هماهنگی و نظارت، بیشتر برنامه و اقدام اجرایی تعریف شده است. حتی در برخی موارد، برنامه‌های



تعیین شده در این کار گروه‌ها به برنامه‌های اصلی نیز آسیب رسانده‌اند. برای مثال، با وجود اینکه «نماد» برنامه‌ای نسبتاً جامع برای ک.ک.آ.ا. دانش آموزان است، در این کار گروه‌ها بدون توجه به آن، برنامه‌های دیگری برای ک.ک.آ.ا. دانش آموزان پیشنهاد شده است.

■ **تشکیل برخی کار گروه‌ها به صورت موازی با نهادهای تنظیم‌گر موجود و با ظرفیت و منابع بسیار محدودتر:** در این زمینه می‌توان به کار گروه‌های اعتیاد و حاشیه‌نشینی اشاره کرد؛ در حالی که دو نهاد ستاد مبارزه با مواد مخدر و ستاد باز آفرینی شهری پایدار با سابقه، منابع و ظرفیت‌های گسترده‌تر در در حوزه تنظیم‌گری فعالیت دارند.

■ **تعدد کار گروه‌ها و لزوم حضور مستمر نمایندگان سازمان‌ها در جلسات متعدد آنها.**

■ **سپردن مسئولیت دبیری یا مدیریت کار گروه‌ها به مدیران دستگاه‌های اجرایی:** به دلیل مشغله‌های فراوان این افراد، اغلب به عدم رسیدگی کافی به امور کار گروه منجر شده و در عمل، کار گروه ماهیتی غیررسمی و صوری پیدا می‌کند.

■ **سپردن مسئولیت برخی کار گروه‌ها به دستگاه‌ها یا افراد فاقد تخصص لازم:** به عنوان مثال، در دوره‌ای مسئولیت کار گروه طلاق به شورای عالی انقلاب فرهنگی و سپس به گروهی در بنیاد احسان سپرده شد و کار گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی نیز به قوه قضائیه واگذار گردید.

■ **کمبود نیرو در س.ا.ا. جهت نظارت بر کار گروه‌ها.**

■ **تعدد اقدامات و پروژه‌های پیشنهادی ذیل کار گروه‌ها و شواهد محور نبودن بسیاری از آنها:** البته به دلیل الزامی نبودن مصوبات کار گروه‌ها، بسیاری از تصمیمات، اقدامات و پروژه‌ها لزوماً به مرحله اجرا نرسیده‌اند.

۳-۵. بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه آسیب‌های اجتماعی^۱

در این بخش نیز به بررسی اقدامات س.ا.ا. در حوزه به کارگیری سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه ک.ک.آ.ا. و ارزیابی آن پرداخته شده است.

۱-۳-۵. توسعه و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها

س.ا.ا. در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی برای ک.ک.آ.ا. مجموعه‌ای از راهبردها و اقدامات ساختاری، نظارتی و عملیاتی را به اجرا درآورده است. عمده این اقدامات بر توسعه ساختاری و تسهیلگری در زمینه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) متمرکز بوده است. در این راستا، دبیرخانه سمن‌ها جهت بررسی درخواست‌ها تأسیس و تمدید آنها راه‌اندازی، تسهیل فرایندهای صدور مجوز در سطوح ملی، منطقه‌ای، استانی و شهرستانی به عنوان یک اولویت دنبال شد؛ به طوری که زمان بررسی درخواست‌ها در معاونت مربوطه به کمتر از ۱۰ روز کاهش یافته و تلاش شده است تا کل فرایند صدور پروانه در نهادهای نظارتی ثبت، در کمتر از سه ماه نهایی گردد. علاوه بر این، جهت سامان‌دهی بیشتر این حوزه، پیگیری‌های لازم برای تصویب قانون سمن‌ها انجام پذیرفته تا مرجع صدور مجوز به صورت شفاف تعیین و نظم‌دهی قانونی محقق شود. همچنین، تعداد قابل توجهی پروانه فعالیت برای سمن‌ها در بازه‌های زمانی مختلف صدور شده است. برای مثال پروانه‌های صادر شده در سال ۱۴۰۳ برای تشکل‌های مردم‌نهاد نسبت به سال قبل ۱۰۰ درصد رشد کرده است. محور بعدی اقدامات سازمان، بر توانمندسازی بهبود عملکرد سمن‌ها استوار بوده است. برای تحقق این هدف، رویکرد حمایتی از طریق تدوین دستورالعمل‌های مالی برای حمایت از طرح‌های مداخلات اجتماعی سمن‌ها اتخاذ گردیده و از ظرفیت مجامع خیرین کشور نیز برای کنترل آسیب‌ها حمایت شده است. آموزش به عنوان یک رکن در نظر گرفته شده و تاکنون دوره‌های آموزشی برای توانمندسازی حدود ۳۶۰۰ سمن برگزار شده است. این رویکرد توانمندسازی، تقویت شورای ملی توسعه از سمن‌ها را نیز در برمی‌گیرد تا این شورا بتواند نقش مؤثرتری در شاخص‌سازی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ایفا نماید و آنها را از حالت فرسایشی به یک ظرفیت پویا و تأثیرگذار تبدیل کند. همچنین، برای ارتقای تعامل و بهره‌مندی از تخصص‌های موجود، کار گروه‌های تخصصی با موضوعات اجتماعی ایجاد شده و بخش‌هایی از مداخلات اجتماعی ک.ک.آ.ا. به سمن‌ها فعال پرونی سپاری شده است. برای مثال در طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۲ بیش از ۸۰۰ پروژه اجتماعی، در حوزه ک.ک.آ.ا. و ارتقای نشاط، سلامت و سرمایه اجتماعی با بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها اجرا شده است.

در زمینه ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، اقداماتی نیز صورت پذیرفته است. در این راستا، سامانه تخصصی سمن‌ها به آدرس

۱. س.ا.ا. در زمینه بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها در راستای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و نظارت بر آنها، اقدامات متعددی انجام داده است و بررسی مفصل آنها نیازمند گزارشی دیگر است. در این گزارش، تلاش شده است اهم اقدامات به صورت خلاصه مرور گردد.

Satma.moi.ir راه‌اندازی گردید تا یک بستر متمرکز برای تعاملات فراهم شود. همچنین، برای تقویت ارتباطات افقی میان سمن‌ها، تالار گفت‌وگویی راه‌اندازی شد تا ظرفیت‌های موجود در یکدیگر شناسایی شوند و بهره‌برداری متقابل صورت پذیرد. علاوه بر این، به منظور انسجام بخشی اطلاعاتی، بانک اطلاعاتی از سمن‌ها فعال تشکیل شده و آنها جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌هایشان به دستگاه‌های اجرایی معرفی می‌گردند. استفاده از دانش شرکت‌های دانش‌بنیان نیز در حمایت و پیشبرد اهداف سمن‌ها مدنظر قرار گرفته است.

همچنین سازمان بر تقویت تعاملات میدانی و ارزش‌های اجتماعی - انقلابی نیز تأکید داشته است. این امر از طریق تسهیل‌گری و ایجاد انگیزه برای تأسیس گروه‌های مردم‌محور و جهادی جهت تقویت ارزش‌های انقلاب و تحقق عدالت اجتماعی دنبال شده که نتایج آن شامل بررسی ۵۰۰ گروه جهادی و انتخاب ۷۰ گروه واجد شرایط بوده است. برای حفظ ارتباط نزدیک و شناسایی دقیق مشکلات، بازدیدهای میدانی از سمن‌ها و برگزاری جلسات مستقیم با نمایندگان آنها در استان‌ها به‌عنوان رویه‌ای مستمر تعریف شده است. همچنین، در راستای انطباق با تکالیف قانونی و مسائل مالی، اقداماتی نظیر افتتاح یک شعبه مالیاتی تخصصی برای رسیدگی به امور مالی سمن‌ها در سازمان امور مالیاتی و همچنین تهیه دستورالعمل مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در مؤسسات خیریه انجام پذیرفته است.

نظارت بر سمن‌ها نیز مورد توجه سازمان بوده است. برای مثال هر ساله جلسات متعدد با شرکت نماینده و ناظر وزارت کشور مجامع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده برای نظارت بر عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد برگزار می‌شود. این معاونت به‌منظور نظارت بر عملکرد مالی و اجرایی فعالیت سمن‌ها و انجمن‌ها دوستی و بین‌المللی نسبت به اخذ گزارش حسابرسی اقدام می‌کند. مهم‌ترین اقدامات دیگر در این راستا عبارت‌اند از:

- ابلاغ بخش‌نامه مقررات جمع‌آوری کمک‌های مردمی توسط مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه به استانداردهای سراسر کشور در سال ۱۳۹۵؛
- ابلاغ دستورالعمل نحوه برگزاری مجامع عمومی سمن‌ها به استان‌های سراسر کشور در سال ۱۳۹۵؛
- بررسی سالیانه گزارش عملکرد سمن‌ها و تمدید پروانه فعالیت آنها؛

- صدور رأی انحلال برای سمن‌های متخلف به‌موجب آرای هیئت نظارت کشور، شورای ملی توسعه و حمایت از تشکلهای و کارگروه ماده (۲۳) و پیگیری قضایی احکام صادره [۷].

۲-۳-۵. ارزیابی تنظیم‌گری سازمان‌های مردم‌نهاد

سمن‌ها ظرفیت‌های بالقوه در راستای ک.ک.آ. محسوب می‌شوند. براساس شرح وظایف س.ا.ا، این نهاد مسئولیت صدور مجوز، حمایت، توانمندسازی، تسهیل‌گری، ارزیابی، رتبه‌بندی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های این سمن‌ها را بر عهده دارد. در همین راستا، اقداماتی نظیر تسهیل فرایندهای صدور مجوز، تقویت شبکه‌سازی میان سمن‌ها، پیگیری تصویب قانون، برون‌سپاری بخشی از مداخلات اجتماعی و ارائه حمایت‌های آموزشی و مالی انجام شده است.

باوجود این اقدامات، حوزه تنظیم‌گری سمن‌ها با چالش‌های زیادی مواجه است؛ از جمله می‌توان به فقدان پشتوانه قانونی جامع و تعریف نشدن جایگاه ساختاری سمن‌ها در نظام تصمیم‌گیری اشاره کرد. علاوه بر این، تقلیل نقش آنها به سطوح صرفاً اجرایی یا تأمین مالی و نادیده گرفتن کارکردهای نظارتی و مشارکتی آنها در فرایند تصمیم‌گیری، از دیگر چالش‌های موجود است. همچنین، موازی‌کاری و تعارضات نهادی میان س.ا.ا و سایر دستگاه‌ها نظیر سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و فراجا در امر صدور مجوز و تنظیم‌گری، مسائل پیچیده مالیاتی، و نبود رویکرد بی‌طرفانه در توزیع منابع و فرصت‌ها که به بروز تبعیض و طرد تشکلهای غیرهمسو منجر شده، کارآمدی این بخش را با محدودیت مواجه ساخته است [۱۶-۱۰]. از منظر تحلیل نهادی، دولت‌ها در بسیاری از موارد، بخش مردمی را نه به‌عنوان بازوی مکمل، بلکه به‌عنوان رقیب یا منبع تعارض قلمداد می‌کنند؛ از این رو، تمرکز وظایف تنظیم‌گری در نهادهای صرفاً دولتی، با چالش‌های ساختاری همراه است.

در کنار موانع بیرونی، بسیاری از این سمن‌ها با چالش‌های درونی جدی نظیر فقدان نیروی انسانی متخصص، محدودیت‌های مالی و ضعف در برنامه‌ریزی راهبردی مواجه هستند. این وضعیت در برخی موارد به انحراف از رسالت‌های اجتماعی و تغییر ماهیت فعالیت‌ها به سمت مدل‌های تجاری و پروژه‌محوری منجر شده است؛ به‌طوری که این سازمان‌ها به جای تمرکز بر مطالبات اجتماعی، کارکردی مشابه بخش خصوصی یافته و صرفاً به کارگزاران اجرایی پروژه‌های دولتی تبدیل شده‌اند. می‌توان گفت گرچه سمن‌ها یکی از نهاد برای حل مسائل هستند، ظرفیت آنها محدود است [۱۷] و نباید انتظار مداخلات تخصصی روانی و اجتماعی از آنها داشت.

ازسوی دیگر، سازمان تا حدی از فعال‌سازی شبکه‌های مردمی در محلات شهری و سایر اجتماعات برای ک.ک.آ. اغفلت کرده است. در کنار



سمن‌ها، لازم است از ظرفیت‌های ساکنان محلات و اجتماعات محلی نیز بهره گرفته شود؛ زیرا ساکنان این محلات، در صورت فراهم بودن بستر مناسب و دریافت آموزش‌های لازم، می‌توانند نقش مؤثری در این حوزه ایفا کنند. یکی از تجربه‌های قابل توجه در سال‌های گذشته، ایجاد دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی بود که با هدف کاهش مسائل مناطق اسکان غیررسمی از طریق مشارکت مستقیم ساکنان محلات شکل گرفتند. با این حال، همان‌طور که بررسی شد، فعالیت این دفاتر به دلیل رویکردهای سلیقه‌ای متولیان وقت، به حاشیه رانده شد و تداوم نیافت [۸]. سایر مسائل در حوزه راهبری سمن‌ها عبارت‌اند از:

- وجود قوانین و مقررات موازی در راستای تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و تقویت نگرش‌های بخشی دورن‌نگر به موضوع مدیریت تشکل‌های اجتماعی؛
- فقدان مرجعیت متمرکز و واحد در امر سیاستگذاری، نظارت کلان و مدیریت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد کل کشور؛
- ضعف ساختارها و ضوابط نظارتی در فرایند نظارت جامع بر فعالیت سمن‌ها؛
- فقدان قانون مشخص و ضعف زیرساخت‌های حقوقی برای توسعه مشارکت اجتماعی و کنترل و هدایت آنها؛
- فقدان منابع اعتباری در ردیف برنامه بودجه سالیانه دولت برای حمایت از برنامه‌ها و فعالیت سمن‌ها؛
- ضعف گفتمان مشارکت اجتماعی در رویه مدیریتی و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف مدیریتی در کشور [۱۰-۷].

۴-۵. نظارت و ارزیابی

نظارت بر دستگاه‌های متولی و سایر بخش‌های فعال در حوزه ک.ک.آ.ا، یکی دیگر از وظایف س.ا.ا است. در این بخش نیز عملکرد سازمان در این حوزه بررسی و ارزیابی شده است.

۱-۴-۵. ساختاردهی و اقدامات در حوزه نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مرتبط

فرایند رسمی مدیریت و ارزیابی عملکرد در سازمان، با ابلاغ ساختار اداره مربوطه در سال ۱۳۹۹، شکل اجرایی به خود گرفت و عملاً نظارت و پیگیری تکالیف محوله از سال ۱۴۰۰ آغاز شده است، هرچند که پیش از آن نیز بخش‌های مختلف سازمان در این زمینه فعال بودند. هدف اصلی این اداره، پیگیری و نظارت بر ارزیابی عملکرد خود سازمان، واحدهای زیرمجموعه و همچنین دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با آن، مطابق با قوانین و مقررات ابلاغی است. این نظارت، شامل رصد اجرای مصوبات شورای اجتماعی کشور توسط دستگاه‌های مربوطه می‌شود که این امر با همکاری دبیرخانه شورا صورت می‌پذیرد و گزارش‌های تحلیلی مستند از نتایج حاصله تهیه می‌گردد. یکی از مهم‌ترین محورهای ارزیابی، نظارت مالی و تحقق اهداف از طریق ردیابی اعتبارات تخصیص یافته است. این فرایند شامل ارزیابی هزینه کرد اعتباراتی است که سازمان به دستگاه‌های عضو شورای اجتماعی، استانداری‌ها و دستگاه‌های استانی تخصیص می‌دهد. هدف از این ارزیابی، سنجش میزان تحقق اهداف تعیین شده و کشف انحرافات احتمالی در فرایند هزینه کرد است که پس از همکاری با اداره مربوطه، گزارش عملکرد نهایی برای ریاست سازمان تهیه می‌شود. علاوه بر این، نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌های غیردولتی، که مجوز فعالیت خود را از سازمان اجتماعی کشور دریافت کرده‌اند، از جمله نظارت بر سمن‌ها نیز برقرار بوده و گزارش‌های دوره‌ای در این خصوص به ریاست سازمان ارائه می‌گردد.

برای اطمینان از صحت داده‌ها و عملکرد میدانی، بر ارزیابی اجرای تفاهم‌نامه‌های منعقد شده با مجریان نیز تمرکز شده است تا حصول به اهداف تضمین و از بروز انحرافات پیشگیری شود. به‌طور خاص، عملکرد حوزه اجتماعی استانداری‌ها همواره مورد بررسی دبیرخانه شورا و اداره ارزیابی سازمان قرار گرفته است. این بررسی‌ها شامل حداقل یک بازدید میدانی در طول سال برای صحت‌سنجی گزارش‌ها با مستندات عینی است. در سال ۱۴۰۳، خلاصه‌ای از گزارش عملکرد این حوزه تهیه شده است که شامل تحلیل‌ها در حوزه دستگاه‌های عضو شورا و اجرای تعهدات مندرج در تفاهم‌نامه‌هاست. در نهایت، تأکید شده است که در صورت تأمین نیروی انسانی متناسب با چارت سازمانی، اداره ارزیابی عملکرد سازمان می‌تواند پیگیری ارزیابی مداوم سمن‌ها را با جدیت بیشتری دنبال نماید.

۲-۴-۵. ارزیابی حوزه نظارت

همان‌طور که اشاره شد، فرایند رسمی مدیریت و ارزیابی عملکرد در س.ا.ا، با ابلاغ ساختار اداری مربوطه در سال ۱۳۹۹، رسمیت اجرایی

یافت. متعاقباً، نظارت و پیگیری تکالیف محوله از ابتدای سال ۱۴۰۰ آغاز گردید. نظارت سازمان شامل پیگیری مستمر و ارزیابی عملکرد خود سازمان، واحدهای زیر مجموعه و همچنین دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با آن، مطابق با قوانین و مقررات ابلاغی است. این فرایند نظارتی، به‌طور ویژه اجرای مصوبات شورای اجتماعی کشور توسط دستگاه‌های مربوطه را رصد و گزارش‌های تحلیلی از نتایج آن تهیه می‌کند. باتوجه‌به قوانین و مقررات حاکم بر حوزه فعالیت س.ا.ا، شکل‌گیری یک ساختار نظارتی مستقل و تخصصی ذیل این سازمان، امری ضروری است. این ساختار می‌تواند، مستقل از واحدهای سیاستگذار و هماهنگ‌کننده، وظیفه اجرای نظارت مؤثر را برعهده گیرد. براساس بررسی‌های صورت گرفته، حوزه نظارت س.ا.ا در حال حاضر در مراحل ابتدایی رشد خود قرار دارد و هنوز به بلوغ سازمانی و عملیاتی لازم دست نیافته است. در وضعیت کنونی، اغلب اقدامات نظارتی به برگزاری جلسات، بررسی اسناد و تهیه گزارش‌های کارشناسی در خصوص عملکرد دستگاه‌ها و برنامه‌های مرتبط محدود می‌شود. این رویکرد، کمتر به ارزیابی دقیق نتایج حاصله و سنجش اثربخشی واقعی برنامه‌ها می‌پردازد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موضوع تنظیم‌گری امور اجتماعی به‌صورت عام و ک.ک.آ. اجتماعی به‌صورت خاص، یکی از عمده مسائلی است که در طی حدود یک دهه گذشته، در دستور کار کشور قرار گرفت. برای پیشبرد این هدف، شورای اجتماعی کشور ارتقا یافت و س.ا.ا به‌عنوان دبیرخانه این شورا تشکیل گردید. در استان‌ها نیز دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها به‌عنوان بازوان استانی نهادهای نام‌برده برای پیشبرد تنظیم‌گری امور اجتماعی انتخاب شدند. براساس اسناد بالادستی نیز تنظیم‌گری در چهار حوزه رصد وضعیت اجتماعی، سیاستگذاری، به‌کارگیری ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین آنها و نظارت تعیین شده است. در این راستا، سازمان امور اجتماعی برای تفکیک بخش‌های نام‌برده دستاوردهایی داشته و با چالش‌هایی نیز مواجه بوده است. در ادامه تلاش می‌شود باتوجه‌به حوزه‌های نام‌برده و بررسی‌های انجام‌شده، جمع‌بندی از دستاوردها و چالش‌های موجود ارائه شود.

جدول ۳. ظرفیت‌های موجود و عمده اقدامات انجام شده در راستای سیاستگذاری ک.ک.آ.ا و چالش‌های آن^۱

ظرفیت‌ها و اقدامات	چالش‌ها
جایگاه نهادی شورای اجتماعی و سازمان امور اجتماعی و دفاتر اجتماعی – فرهنگی استانداری‌ها به‌عنوان نهادهای تنظیم‌گر	اولویت نداشتن حوزه اجتماعی در سیاستگذاری کشور نسبت به سایر حوزه‌ها و عدم توجه کافی به آن در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای کشور
مسئله‌شناسی تنظیم‌گری امور اجتماعی و نیز جلب حمایت در بالاترین سطح ممکن برای آن	تعریف وظایف مشابه برای دستگاه‌ها و ابهام و تعارض نقش در میان آنها و امکان سیاستگذاری برای موضوعی واحد توسط دستگاه‌های مختلف
شکل‌گیری گفت‌وگویی واحد در سطح ملی پیرامون اهمیت و ضرورت ک.ک.آ.ا	تعدد نهادهای سیاستگذار ک.ک.آ.ا و امکان تضعیف سیاستگذاری منسجم
انجام مطالعات مختلف در راستای شناخت وضعیت اجتماعی کشور و سیاستگذاری اجتماعی داده‌محور	انقطاع در سیاستگذاری ک.ک.آ.ا و انباشته نشدن دانش و تجارب در این حوزه
تعیین آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار و تمرکز منابع بر کنترل و کاهش آنها	فقدان وفاق در بین کنشگران و جامعه/ دولت درباره چپستی آسیب‌های اجتماعی، مصادیق و راهبردهای کنترل و کاهش آنها
تهیه و تدوین اسناد سیاستی مختلف برای ک.ک.آ.ا و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادها	ضعف آینده‌نگری در مواجهه با مسائل و آسیب‌های اجتماعی نوظهور

۱. مواردی که در ستون چپ به‌عنوان چالش از آنها نام‌برده شده است، متناظر با چالش‌های ظرفیت‌ها و اقدامات در ستون راست نیست.



چالش‌ها	ظرفیت‌ها و اقدامات
عمر کوتاه مدیران اجتماعی و انقطاع در سیاست‌ها و برنامه‌ها	تدوین و اجرای برنامه‌های فوق‌العاده به‌منظور ک.ک.آ. اجتماعی با همکاری دستگاه‌ها
عدم سیاستگذاری برای برخی از آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌های بروز آنها (فرایندهای آسیب‌زا)	برگزاری دو دوره همایش وضعیت اجتماعی کشور
تبدیل نشدن بسیاری از مطالعات به سیاست اجتماعی و سیاست‌ها به برنامه اقدام	تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورز و کارگروه‌های موضوعی
پشتوانه قانونی ضعیف مصوبات شورای اجتماعی و نداشتن ضمانت اجرایی	تلاش در راستای سیاستگذاری جهت بهره‌گیری از ظرفیت بخش مردم‌نهاد
تقلیل یافتن امر سیاستگذاری به سطح ملی و ضعف کارگروه‌های اجتماعی و فرهنگی استان‌ها در راستای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطوح منطقه‌ای و محلی	تسهیلگری برای تصویب قانون سمن‌ها
تعدد برنامه‌های فوق‌العاده و مشخص نبودن جایگاه برخی از آنها در نظام ک.ک.آ.ا.	تدوین دستورالعمل‌های مالی برای حمایت از طرح‌های مداخلاتی سمن‌ها
غالب بودن امور سیاسی و امنیتی در وزارت کشور و به حاشیه رفتن امور اجتماعی در آنها	تهیه دستورالعمل مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در مؤسسات خیریه
طولانی بودن فرایند تصویب قوانین و آیین‌نامه‌ها	
فقدان قانون واحد در بخش سازمان‌های مردم‌نهاد	

مأخذ: همان.

در ادبیات سیاستگذاری کشور، توجه به حوزه اجتماعی به‌طور عام و ک.ک.آ.ا. به‌طور خاص، به‌منظور تقویت انسجام اجتماعی، یکی از اولویت‌های راهبردی بوده است؛ به‌گونه‌ای که در مقاطعی، این موضوع به یکی از محورهای اصلی دستور کار ملی بدل شد. با ارتقای جایگاه شورای اجتماعی کشور و تأسیس سازمان امور اجتماعی، ظرفیت‌های نهادی مطلوبی برای تنظیم‌گری و سیاستگذاری در این حوزه ایجاد گردیده و اسناد متعددی با همین رویکرد در سازمان تدوین و به تصویب شورای اجتماعی رسیده است. در این میان، مسئله‌شناسی تنظیم‌گری ک.ک.آ.ا. به‌عنوان نقطه عطفی در این فرایند برجسته شد و سازمان اقدامات متعددی را در این راستا به انجام رساند؛ اقداماتی نظیر تلاش برای تحقق سیاستگذاری شواهدمحور، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مردمی، ایجاد ائتلاف‌های جمعی بین دستگاهی برای اجرای برنامه‌ها و... باوجود این، به دلایلی نظیر جایگاه قانونی ضعیف سازمان امور اجتماعی، ضعف در ضمانت اجرایی مصوبات شورای اجتماعی و عدم پیگیری جدی آنها، تعیین نقش برای دستگاه‌های متعدد و تداخل نقش در بین آنها، تعدد برنامه‌ها و موازی بودن برخی از آنها... بسیاری از این سیاست‌ها در مرحله اجرا به ثمر نرسیده‌اند. ازسوی دیگر، تکثر نهادهای تنظیم‌گر، انسجام و یکپارچگی حکمرانی در این حوزه را با چالش‌هایی مواجه کرده است.

بخشی از چالش‌های تنظیم‌گری در این حوزه، ریشه در فقدان وفاق میان کنشگران کلیدی درباره جایگاه نهادی تنظیم‌گری امور اجتماعی دارد؛ موضوعی که بازتاب آن در سیاست‌ها و اسناد بالادستی مطابق با تحلیل پیشین در بخش قوانین مشهود است. تازمانی که میان کنشگران سازمانی بر سر جایگاه نهاد تنظیم‌گر اجتماعی وفاق وجود نداشته باشد، پایبندی به مصوبات و دستورالعمل‌های آن نیز کاهش می‌یابد. در حال حاضر نیز س.ا.ا. فاقد ابزارهای قانونی و اجرایی لازم برای اعمال اقتدار بر دستگاه‌های مسئول در مسیر دستیابی به اهداف ک.ک.آ.ا. است. علاوه بر این، عواملی نظیر نفوذ گروه‌های ذی‌نفع برون‌سازمانی و فشار بر سازمان امور اجتماعی، جابه‌جایی‌های مکرر و زود هنگام مدیران در س.ا.ا. و استانداری‌ها در کنار ضعف بدنه کارشناسی این نهادها از دیگر عوامل تأثیرگذار در عدم توفیق سیاست‌های مذکور بوده است. علاوه بر سیاستگذاری، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف در بخش‌های دولتی، حاکمیتی و مردمی و تلاش برای ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان آنها، از دیگر اقدامات کلیدی س.ا.ا. در راستای تنظیم‌گری ک.ک.آ.ا. بوده است. در جدول ۴، دستاوردها و چالش‌های فراروی این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. ظرفیت‌ها و اقدامات انجام شده در راستای هماهنگی نهادهای حوزه ک.ک.آ. و چالش‌های پیش‌رو

چالش‌ها	اقدامات
تعدد نهادهای اجرایی و برنامه‌ها، پراکنده شدن منابع و دشوار شدن تنظیم‌گری امر اجتماعی	تدوین طرح جامع ک.ک.آ.۱
تعیین نقش برای دستگاه‌های متعدد در اسناد و قوانین و پرداخت اعتبار به دستگاه‌ها و نهادهای متعدد توسط س.ا.ا	تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها با رویکرد همکاری بین‌بخشی و ایجاد ائتلاف‌های جمعی برای اجرای آنها
شکل نگرفتن ائتلاف‌ها یا فروپاشی آنها	تشکیل کارگروه امور اجتماعی، فرهنگی و سلامت در استان‌ها
عدم تجهیز سازمان به ابزارهای کافی برای هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌ها	انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با نهادها در بخش‌های مختلف
دادن اعتبار به نهادها و دستگاه‌های مختلف تحت عنوان برنامه‌های فوق‌العاده و مشخص نبودن جایگاه بسیاری از این برنامه‌ها در نظام ک.ک.آ.۱	بمکارگیری ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و تلاش برای توانمندسازی آنها
کامل نبودن فرایندهای درونی برنامه‌ها و عدم اتصال میان آنها	ابلاغ مصوبات شوراهای دستگاه‌ها و تلاش برای پیگیری آنها
هم‌عرض بودن وزارت کشور با سایر وزارتخانه‌ها در سطح ملی و فقدان قدرت تنظیم‌گری آنها	تدوین گزارش عملکرد سالیانه دستگاه‌ها
شکل نگرفتن کارگروه‌ها بر اساس مطالعات علمی، تعدد و صوری شدن آنها	پیگیری برگزاری کارگروه‌های تخصصی ذیل شورا و نظارت بر عملکرد آنها
عدم پذیرش اقتدار و مشروعیت س.ا.ا توسط برخی از دستگاه‌ها	تلاش در جهت رفع موانع و فعالیت‌های استان‌ها
عدم همکاری کافی دستگاه‌ها در ارائه گزارش عملکرد و اطلاعات به س.ا.ا و ندادن اختیارات کافی به سازمان برای برخورد با تخلفات دستگاه‌ها	تشکیل کارگروه‌های تخصصی و موضوعی با همکاری دستگاه‌ها
پیش‌بینی ناپذیری و اختلال در برنامه‌ریزی به واسطه نحوه پرداخت اعتبارات	افزایش اعتبارات حوزه ک.ک.آ.۱ و مدیریت آنها
عدم هماهنگی سازمان برنامه و بودجه در پرداخت بهنگام و کافی اعتبارات	تسهیل فرایند صدور مجوز برای سمن‌ها
وجود دغدغه‌های متعدد منطقه‌ای در استانداری‌ها و به حاشیه رفتن امور اجتماعی در آنها	برون‌سپاری بخش از مداخلات حوزه اجتماعی به سمن‌ها
عدم وفاق میان نهادها و کنشگران در خصوص نحوه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های هدف	افتتاح شعبه مالیاتی تخصصی برای رسیدگی به امور مالی سمن‌ها در سازمان امور مالیاتی کشور
ضعف نیروی انسانی کارشناس در س.ا.ا و دفاتر اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و جابه‌جایی نیروهای موجود و عدم استمرار در پست‌های کارشناسی	
عدم توجه به شایسته‌سالاری و جایگاه کارشناسی و تخصصی	
ضعف در پیگیری مصوبات شورای اجتماعی کشور و اجرا نشدن آنها	
فشار مراکز و مراجع غیرتخصصی به سازمان	
نبود ردیف بودجه مستقل برای سمن‌ها	
ضعف شفافیت و قوانین مبارزه با پول‌شویی در بخش سمن‌ها	
موازی‌کاری و تعارضات نهادی میان س.ا.ا و سایر دستگاه‌ها در تنظیم‌گری سمن‌ها	
دخالت‌های فراقانونی و اعمال فشار بر سمن‌ها	
رقیب تلقی‌کردن سمن‌ها توسط دولت	
عدم تدوین برنامه‌ریزی‌ها برای بهره‌گیری و فعال‌سازی ظرفیت مشارکت ساکنان محلات در راستای ک.ک.آ.۱	
بهره نگرفتن از ظرفیت تسهیلگری و نظارتی رسانه‌ها	

مأخذ: همان.



مطابق با نتایج ارائه شده در جدول ۴، سمت راست، طی سال‌های اخیر در س.ا.ا. تلاش‌های گسترده‌ای جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی در راستای تنظیم‌گری ک.ک.ا. صورت گرفته است. از جمله اقدامات کلیدی و برجسته در این حوزه می‌توان به این موارد اشاره کرد: تدوین و تصویب طرح تقسیم کار ملی (۱۳۹۵)؛ انعقاد تفاهم‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه با نهادهای ذی‌ربط همراه با تخصیص بودجه جهت اجرای آنها؛ تشکیل کارگروه‌های تخصصی با مشارکت دستگاه‌های اجرایی گوناگون؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و... همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، میزان موفقیت س.ا.ا. در ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای مرتبط، علی‌رغم برخی دستاوردها، محدود بوده است. در جدول ۴، سمت چپ، به مرور عوامل کلیدی این عدم توفیق پرداخته شده که بخشی از آنها خارج از دایره اختیارات سازمان بوده و بخشی دیگر، محصول عملکرد یا راهبردهای اتخاذ شده توسط سازمان است.

وضعیت موجود در حوزه ک.ک.ا.ا. با چالش‌های بنیادین روبه‌روست که از سطح آرایش نهادی تا ابزارهای عملیاتی سازمان را دربرمی‌گیرد. در مرتبه نخست، چالش‌های نهادی خودنمایی می‌کند؛ به‌طوری که حضور بیش از بیست نهاد دولتی و حاکمیتی در این حوزه، به تعدد دستگاه‌های متولی و نبود رویکردی یکپارچه منجر شده است. این پراکندگی نهادی، نیاز به بازنگری در نقش‌های سازمانی یا ادغام نهادهای موازی را ضروری می‌سازد. این چالش ساختاری، با ضعف در توان تنظیم‌گری س.ا.ا. تشدید شده است. سازمان به‌دلیل جایگاه قانونی ضعیف مصوبات شورای اجتماعی و عدم تفویض اختیارات کافی، قدرت نظارتی و کنترلی بر منابع و نحوه هزینه‌کرد سایر دستگاه‌ها را ندارد. در واقع، سازمان با محدودیت در دسترسی به منابع و فقدان ابزارهای بازدارنده برای برخورد با عدم همکاری یا تخلفات سایر نهادها، از ایفای کامل نقش تنظیم‌گری خود بازمانده است. مضاف بر این، در سال‌های اخیر، س.ا.ا. با درگیر کردن طیف وسیعی از کنشگران دولتی، حاکمیتی و سمن‌ها، و تخصیص منابع مالی به آنها از طریق اجرای برنامه‌های متعدد، بدون یک نقشه‌راه جامع و چفت‌وپیست کردن فعالیت این بخش‌ها، در مواردی به تشدید عدم انسجام و موازی‌کاری دامن زده است. این اقدامات سازمان، نه تنها به ایجاد جایگاهی معتبر به‌عنوان نهادی مرضی‌الطرف، بی‌طرف، کارآمد و اثربخش منجر نشده است، بلکه در وضعیت کنونی، این نگرانی وجود دارد که سازمان خود به بخشی از چالش تنظیم‌گری در این حوزه تبدیل شود. در نهایت، این زنجیره چالش‌ها به نظام نظارتی ختم می‌شود که علی‌رغم تلاش‌هایی نظیر پایش تفاهم‌نامه‌ها و بازدیدهای میدانی، همچنان با شکاف‌های جدی روبه‌روست. تأخیر در تشکیل ساختار نظارتی، کمبود نیروی انسانی متخصص و ابهام در ماهیت و چگونگی اعمال نظارت بر فرایند ارائه خدمات اجتماعی، مانع از آن شده است که نظارت بتواند به‌عنوان رکن اصلی برای تضمین انطباق عملکردها با مقررات و ارتقای اثربخشی مداخلات عمل کند.

۱-۶. پیشنهادها

در وضعیت کنونی، مسئله اصلی تدوین سیاست یا سند جدید نیست؛ چرا که سیاست‌ها و اسناد بسیاری در این حوزه تدوین و تصویب شده است، اما به شکل مطلوب اجرا نشده‌اند؛ لذا پرسش بنیادین این است که سیاست‌ها و برنامه‌ها قرار است توسط چه نهادی، با چه منابعی و به چه شیوه‌ای در پهنه سرزمینی کشور اجرا شوند. برای کارآمدی اجرای سیاست‌های اجتماعی، ایجاد یک آرایش نهادی مطلوب ضروری است؛ به‌گونه‌ای که لازم است یک رویکرد **حاکمیت چندسطحی مورد توجه قرار گیرد**. در این رویکرد استقرار یک نهاد معین سیاستگذار، هماهنگ‌کننده، بودجه‌ریز و نظارتی (نهاد تنظیم‌گر) در سطح ملی برای تعیین خطوط کلی، استانداردهای عملکرد و اهداف کلان ک.ک.ا.ا. ضرورت دارد. هم‌زمان، باید اختیارات لازم برای انطباق و تدوین برنامه‌های عملیاتی متناسب با مختصات، بافت اجتماعی-فرهنگی و اولویت‌های بومی هر منطقه، به سطوح اجرایی منطقه‌ای و محلی تفویض گردد. افزون بر این، سایر وظایف حوزه رفاه اجتماعی شامل تأمین حمایت‌های اجتماعی، ارائه خدمات اجتماعی، خدمات سلامت جسمی و روانی، و معاضدت‌های حقوقی برای ک.ک.ا.ا. باید میان چند نهاد تخصصی مشخص شود، به‌طور مشخص سازمان بهزیستی با تمرکز بر ارائه خدمات اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تمرکز بر خدمات سلامت جسمی و روانی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تمرکز بر حمایت‌های اجتماعی و قوه قضائیه با تمرکز بر معاضدت‌های حقوقی. **از این رو، لازم است وظایف پراکنده و مشابه در سایر سازمان‌ها حذف، منابع انسانی و مالی در نهادهای اصلی تجمیع و وظایف دستگاه‌ها به صورت شفاف، تفکیک، و بدون هرگونه هم‌پوشانی مشخص گردد تا از ابهام و تعارض نقش جلوگیری شود.** البته این تجمیع به معنای نفی ارائه خدمات اجتماعی در محیط‌هایی مانند آموزش، کار و... نیست؛ بلکه نیاز است سطحی پایه از خدمات اجتماعی در این محیط‌ها تعریف شود و برای مداخلات بیشتر و تخصصی‌تر از سازوکار ارجاع استفاده گردد.

دستگاه‌ها نیز می‌توانند خدمات را به صورت درونی ارائه یا به سایر بخش‌ها واگذار کنند. در کنار آن، سمن‌ها و بخش خصوصی ظرفیت‌های ارزشمندی هستند که می‌توانند در حوزه ک.ک.آ. مؤثر باشند. سیاست‌ها و قوانین باید برای این بازیگران در چهار حوزه اجرا، تصمیم‌گیری، مطالبه‌گری و نظارت نقش تعریف کنند.

در سطح محلی به‌ویژه شهرستان‌ها ضروری است ساختارهای ارائه خدمات اجتماعی، با تولی‌گری سازمان بهزیستی تقویت شوند و مراکز جامع خدمات اجتماعی یا شبکه سامان و برنامه‌های زیرمجموعه آن ایجاد و تقویت گردند. بخش خصوصی نیز می‌تواند در ارائه خدمات اجتماعی مشارکت کند، اما دولت باید یک سطح از خدمات یا خدمات پایه اجتماعی با کیفیت را برای همه افراد و خانواده‌ها تضمین کند. در این مدل، شهروندان حق انتخاب دارند که خدمات خود را از چه سازوکاری دریافت کنند. در ادامه، برخی پیشنهادها را دیگر با محوریت تقویت س.ا.ا و به تفکیک حوزه‌های مختلف ارائه می‌گردد.

۱-۶. سیاستگذاری

■ **تعیین چارچوب‌های برون‌سپاری خدمات:** با توجه به اینکه بسیاری از دستگاه‌ها بخش قابل توجهی از خدمات خود را برون‌سپاری کرده‌اند، اما نتایج و پیامدهای این برون‌سپاری مشخص نیست، و نیز با در نظر گرفتن اینکه کیفیت ارائه خدمات در بخش قابل توجهی از مراکز خصوصی مطلوب نیست، ضروری است س.ا.ا با همکاری دستگاه‌های متولی، چارچوب‌های ناظر بر برون‌سپاری خدمات را به صورت قاعده‌مند تدوین و ابلاغ کند. در این چارچوب باید از برون‌سپاری وظایفی که نیازمند اعمال اقتدار عمومی، خدمات حساس، تعیین اهداف، تمرکز عملیاتی، حد و دامنه یا کیفیت ارائه خدمات هستند، و همچنین مواردی که مستلزم اعمال صلاحیت‌های قانونی و حاکمیتی نسبت به اشخاص حقیقی‌اند، اجتناب شود.

■ **توسعه کیفیت خدمات اجتماعی:** لازم است س.ا.ا با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، کیفیت خدمات اجتماعی را در بخش‌های مختلف از طریق راهبردهای همچون توسعه مستمر خدمات، ارائه خدمات توسط کارکنان آموزش‌دیده، توانمندسازی مستمر کارکنان، به‌روزرسانی دستورالعمل‌ها و نظارت دقیق بر نحوه ارائه خدمات بهبود ببخشند.

■ **توسعه عمل مبتنی بر دانش:** به منظور ارتقای کیفیت و اثربخشی خدمات و حمایت‌های اجتماعی، توسعه شیوه‌های عملیاتی مبتنی بر شواهد و دانش روزآمد ضروری است. این مهم از طریق همکاری‌های نزدیک و هدفمند با نهادهای دانشگاهی و پژوهشی محقق خواهد شد. تمرکز بر رویکردهای همچون تحقیق و توسعه، ارزیابی مستمر اثربخشی، انتقال دانش و ظرفیت‌سازی علمی پیشنهاد می‌شود.

■ **تمرکززدایی و تقویت حکمرانی محلی:** با عنایت به گستردگی جغرافیایی سرزمین ایران و تنوع چشمگیر ویژگی‌های منطقه‌ای، از جمله تفاوت‌های اساسی در ماهیت و میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی و تراکم برخی از آسیب‌های اجتماعی در برخی از شهرستان‌های کشور، ضروری است رویکردی مبتنی بر تمرکززدایی و تقویت حکمرانی محلی در ارائه خدمات اجتماعی اتخاذ گردد. بدین منظور، پیشنهاد می‌شود بازوان استانی شورای اجتماعی و س.ا.ا تقویت شود و اختیارات لازم و کافی برای اتخاذ تصمیمات منعطف و متناسب با شرایط و نیازهای بومی به آنها تفویض شود. این امر شامل توانایی در تطبیق سیاست‌ها، اولویت‌بندی مداخلات و تخصیص منابع براساس ویژگی‌های هر منطقه خواهد بود.

■ **تعیین چارچوب‌های مالی ارائه خدمات به شهروندان یا مددجویان:** اصل کلی باید بر این مبنا باشد که ارائه خدمات اجتماعی رایگان یا تحت پوشش کامل بیمه باشند. البته می‌توان بر مبنای وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد هزینه معقولی را از آنها دریافت کرد؛ به این شرط که هزینه‌ها نباید از هزینه‌های مراکز ارائه‌دهنده خدمات بیشتر و باید متناسب با توانایی مالی فرد باشد.

■ **تقویت پشتوانه قانونی مصوبات شورای اجتماعی.**

■ **تقویت جایگاه نهادی س.ا.ا:** به تفکیک عمده آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار نیز سیاست‌های ذیل پیشنهاد می‌شود:

● **استقرار راهبرد ملی حفاظت از حقوق کودک و نوجوان با رویکرد سه‌گانه پیشگیری، ارتقا و مداخله:** این رویکرد کل‌نگر، از تقلیل سیاستگذاری‌ها به مسائل خاصی همچون کودکان کار یا کودکان ناشی از طلاق جلوگیری کرده و تمام کودکان را با در نظر گرفتن نوع و میزان خطرپذیری آنان، تحت پوشش قرار می‌دهد.

۱. چگونگی این تقویت باید مورد بررسی قرار گیرد که نیازمند مطالعات جامع‌تری است.

● **تقویت نهاد خانواده با اتخاذ رویکرد حمایتی چندبعدی:** این حمایت‌های شامل تأمین نیازهای اولیه مادی، حمایت از کارکرد خانواده و تقویت مهارت‌های والدگری است. خدمات دسته نخست، شامل حمایت‌های مالی پایه‌ای همچون تأمین حداقل درآمد و مسکن مقرون به صرفه است. دسته دوم، خدماتی مانند مشاوره و میانجیگری خانوادگی، آموزش والدین و... را دربرمی‌گیرد. دسته سوم نیز به ارائه فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی یارانهای یارایگان نظیر برنامه‌های بعد از مدرسه و کارگاه‌های آموزشی والدین اختصاص دارد. تاجایی که امکان‌پذیر است این خدمات باید به صورت هماهنگ و همگانی ارائه شوند تا از انگ اجتناب شود و خانواده‌ها حمایت‌های لازم را به صورت منسجم دریافت کنند.

● **پیشگیری از طلاق و کاهش آسیب‌های آن:** به منظور کاهش طلاق و به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از آن، اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و حمایتی جامع ضروری است. این راهبردها در دو محور کلیدی قابل تبیین هستند: نخست، پیشگیری اولیه از وقوع طلاق از طریق اجرای دوره تأمل اجباری، فراهم‌آوری خدمات مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی و تأمین نیازهای مادی خانوارهای در معرض خطر و دوم، کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق از طریق تنش‌زدایی از فرایند طلاق، الزام والدین به دریافت خدمات تخصصی پس از طلاق با تأکید ویژه بر بر جسته‌سازی و تقویت مسئولیت‌های مشترک والدینی در قبال فرزندان و اولویت‌بخشی به مصالح عالیه کودک در تمام تصمیم‌گیری‌های قضایی و اجتماعی مرتبط با حضانت، تعیین محل سکونت و حق ملاقات.

● **بی‌خانمانی:** توسعه سیاست‌های مستقل بی‌خانمانی مجزا از موضوع اعتیاد و یا «معتادان متجاهر» با تأکید بر راهبرد اول تأمین مسکن. این رویکرد، بر تأمین فوری و بدون قید و شرط مسکن به عنوان بستر اولیه، پیش از هرگونه مداخله درمانی یا توانمندسازی، تأکید دارد. متعاقباً، خدمات حمایتی باید به صورت پیوسته ارائه شوند تا اهداف بلندمدت کاهش آسیب و توانمندسازی محقق گردد.

● **اتخاذ رویکرد همه جانبه و جامع در سیاستگذاری حوزه مواد و اعتیاد:** این رویکرد باید بر چهار ستون اصلی مبارزه با عرضه، پیشگیری، درمان و کاهش آسیب استوار باشد. در این راستا، ضروری است که ضمن جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر، از رویکرد صرفاً مجازات‌محور اجتناب شود. لازم است درمان‌های داوطلبانه به طور گسترده ترویج یابند و درمان‌های اجباری تنها به عنوان یک استثنا و برای افرادی به کار گرفته شوند که با رفتارهای خود، زندگی خود و دیگران را به مخاطره می‌اندازند و تمایلی به پذیرش درمان‌های داوطلبانه ندارند. در حوزه پیشگیری، باید بر برنامه‌های مبتنی بر شواهد تمرکز کرد و از تقلیل این مقوله به آموزش‌های همگانی خودداری نمود. در مجموع، برای کنترل و کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد و درمان افراد دارای اختلال مصرف مواد، اولویت باید با حمایت‌ها و خدمات سلامت و اجتماعی باشد.

۲-۶. هماهنگی و هم‌افزایی

علاوه بر سازوکارهای موجود برای هماهنگی بخش‌های مختلف، س.ا.ا. به منظور هماهنگی بیشتر می‌تواند این موارد را مورد توجه قرار دهد:

الف) هماهنگی عمودی: این نوع هماهنگی به ارتباط و همکاری نظام‌مند میان سطوح مختلف دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی اشاره دارد. هدف آن ایجاد انسجام و هم‌راستایی بین سطوح مختلف حکمرانی است تا سیاست‌های اجتماعی به طور مؤثر و یکپارچه اجرا شوند. در این سطح، سازوکارهای اصلی که سازمان می‌تواند مورد استفاده قرار دهد عبارت‌اند از:

■ **برگزاری جلسات منظم:** تشکیل کارگروه‌ها یا هیئت‌های تخصصی مشترک و مبتنی بر برنامه، قراردادهای رسمی و چارچوب برنامه‌ریزی مشترک بین س.ا.ا. و دفاتر اجتماعی - فرهنگی استانداری‌ها و سایر بخش‌های نظیر بخش مردم‌نهاد و سایر دستگاه‌ها.

■ **بهره‌گیری از اصل جانشین‌پذیری:** بر این مبنا لازم است از طریق دستگاه‌ها، تصمیم‌گیری و ارائه خدمات به پایین‌ترین سطحی از حکمرانی که قادر به انجام آن به شکل مؤثر است، واگذار شود.

■ **بهره‌گیری از سازوکار تعدیل:** بر اساس این اصل لازم است سازمان از طریق استانداری‌ها و فرمانداری‌ها یا دستگاه‌های عضو شورای اجتماعی، به مناطقی که کمترین بهره‌ر از خدمات اجتماعی برده‌اند یا دارای نیازهای ویژه هستند کمک کند.

■ **هماهنگی افقی (بین وزارتخانه‌ها، نهادها و مناطق هم‌سطح):** این سازوکار با هدف رفع چالش‌هایی چون موازی‌کاری، پراکندگی خدمات و فقدان انسجام در ارائه خدمات به گروه‌های هدف مشترک طراحی شده است. هدف نهایی، ایجاد هم‌افزایی میان خدمات مختلف و همچنین میان مناطق جغرافیایی هم‌جوار است تا از منابع موجود به شکل بهینه‌تری استفاده شود. سازوکارهای اصلی که س.ا.ا. می‌تواند اینجا مورد استفاده قرار دهد عبارت‌اند از:

● **ایجاد هماهنگی بین وزارتخانه‌ای از طریق شورای اجتماعی کشور و نهاد ریاست جمهوری:** در موارد لازم همچون پیشگیری و

درمان اعتیاد، برنامه نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان و... باید س.ا.ا دستور کار این هماهنگی را تدوین کند.

● **طراحی و استقرار مراکز خدمات اجتماعی جامع در سطح محلی به منظور یکپارچه‌سازی فیزیکی و سازمانی خدمات در یک محل واحد:** لازم است مراکز خدمات اجتماعی جامع در سطح محلی با استقرار گروه‌های حرفه‌ای بین‌رشته‌ای به منظور یکپارچه‌سازی خدمات ایجاد شود. یکپارچه‌سازی خدمات اجتماعی برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر این پتانسیل را دارد که چندین مشکل اساسی این گروه‌ها را به طور هم‌زمان مورد توجه قرار دهد و هزینه‌های حمایت و مراقبت را کاهش دهد؛ چراکه از تعداد مراجعات مکرر، تکرار خدمات و مداخلات پرهزینه جلوگیری می‌کند.

● **تقویت همکاری‌های بین منطقه‌ای:** این نوع همکاری زمانی ضرورت می‌یابد که مقیاس چالش‌هایی مانند توسعه زیرساخت‌های کلان یا ارائه خدمات تخصصی، فراتر از ظرفیت یک منطقه یا شهر باشد. در چنین شرایطی، س.ا.ا و استانداری‌ها می‌توانند با به‌کارگیری ظرفیت‌های شهرها یا مناطق هم‌جوار از طریق ایجاد نهادهای مشترک، انعقاد توافق‌نامه‌های همکاری یا تدوین راهبردهای سرمایه‌گذاری مشترک، منابع موجود را تجمع کرده و کارایی را افزایش دهند یا از طریق مناطق هم‌جوار، ظرفیت‌های خدمات اجتماعی مناطق نیازمند توسعه داده شوند.

۳-۱-۶. نظارت

تقویت ساختار نظارتی س.ا.ا از طریق به‌کارگیری نیروهای متخصص و کارآزموده اهمیت ویژه‌ای دارد. این ساختار باید مستقل، تخصص‌محور و کیفیت‌گرا باشد. در کنار اقداماتی که سازمان هم‌اکنون در حوزه نظارت دنبال می‌کند، می‌توان از سازوکارهای زیر با همکاری دستگاه نیز بهره‌برد:

■ ایجاد سامانه ملی شکایات و نظارت مردمی با دسترسی آسان و امکان رسیدگی مؤثر به شکایات‌ها. در این راستا، فرایند رسیدگی در سطوح استان و شهرستان می‌تواند به دفاتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها و فرمانداری‌ها واگذار شود و از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی نیز بهره‌برداری گردد.

■ انجام بازرسی‌های برنامه‌ریزی شده و سرزده از مراکز ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی.

■ اعمال جریمه‌های متناسب و در صورت لزوم، لغو مجوز فعالیت مراکز متخلف.

■ استقرار نظام پایش و ارزیابی خطر به منظور رتبه‌بندی فعالیت‌ها بر اساس میزان ریسک و تمرکز بازرسی‌ها بر موارد پرخطر.

■ تخصیص یارانه‌های دولتی مشروط به رعایت استانداردها بخش‌های فعال ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی.

■ ارائه هدایت‌گری و مشاوره تخصصی مبتنی بر دانش روز به دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف براساس یافته‌های نظارتی.

■ ارزیابی عملکرد مالی و خدماتی از طریق تحلیل آمارهای رسمی.

■ انجام مقایسه‌های باز از طریق نظرسنجی از مراجعان یا مددجویان و انتشار عمومی نتایج در قالب گزارش‌های تصویری درباره کیفیت و کارایی سازمان‌ها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی.

■ انتشار منظم گزارش عملکرد و رتبه‌بندی دستگاه‌های عضو شورای اجتماعی و دفاتر اجتماعی و فرهنگی استانداری‌ها با رعایت ملاحظات محرمانگی.

■ انتشار شفاف گزارش عملکرد سالیانه س.ا.ا در وب‌گاه سازمان.

■ تضمین نقش‌آفرینی مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها در نظارت بر عملکرد سازمان.

۴-۱-۶. نحوه پرداخت اعتبارات

■ **پرداخت اعتبارات دستگاه‌ها و سایر بخش‌ها از طریق سازمان برنامه و بودجه با تأیید س.ا.ا:** در این مدل، س.ا.ا پس از بررسی و تأیید برنامه‌ها، تخصیص اعتبارات را مستقیماً از طریق سازمان برنامه و بودجه پیگیری می‌کند. بدین ترتیب، اعتبارات به‌طور مستقیم از سازمان برنامه و بودجه به برنامه‌های مصوب تخصیص می‌یابد. این رویکرد با کاهش مراحل توزیع مجدد، به تسریع پرداخت اعتبارات و جلوگیری از انحرافات احتمالی کمک می‌کند. همچنین، س.ا.ا موظف است نسبت به تأمین به‌موقع و کافی اعتبارات برنامه‌ها از سازمان برنامه و بودجه، مطالبه‌گری لازم را انجام دهد.

■ **اصلاح الگوی تخصیص اعتبار و تمرکز بر برنامه‌های جامع و اثرگذار:** در این راستا، س.ا.ا باید از تخصیص اعتبار به برنامه‌های پراکنده،

تک‌افتاده یا منزوی و فاقد پیوستار مشخص در نظام کلی ک.ک.آ. اجتناب ورزد. این گونه برنامه‌ها، که اغلب از نظر زمانی و دامنه دسترسی محدود بوده و جایگاه راهبردی آنها در مجموعه مداخلات اجتماعی مشخص نیست، به‌رغم صرف منابع انسانی و مالی قابل توجه، نتایج اثربخش و پایداری در ک.ک.آ. به همراه ندارند. در مقابل، ضروری است تا با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر، چند برنامه کلیدی، اثرگذار، فراگیر و پایدار در سطح ملی برای ک.ک.آ. طراحی و اجرا گردد. این برنامه‌های محوری باید مبنای اصلی مداخلات قرار گرفته و سپس، براساس نیازهای شناسایی شده و اولویت‌بندی شده، سایر برنامه‌های بیشتر تدوین و اجرا شوند.

۵-۱-۶. برنامه‌های فوق‌العاده

براساس بررسی‌های انجام شده، شاخص‌های همچون گسترش فراگیری خدمات از طریق گسترش جامعه هدف، ارتقای کیفیت و اثربخشی خدمات،^۱ گسترش جامعیت از طریق افزودن لایه‌های خدماتی بیشتر،^۲ کاهش هزینه‌های پرداختی از جیب توسط خدمت‌گیرندگان، تأمین و ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی در شرایط بحران، پیش‌بینی و طراحی برنامه برای آسیب‌های نوپدید یا آسیب‌های که از پیش برنامه‌ای برای کنترل و کاهش آنها تعریف نشده و تدوین برنامه‌های بیشتر برای تسریع در اجرای مداخلات در کانون‌های بحران می‌توانند به‌عنوان معیار برای حمایت از برنامه‌های فوق‌العاده در نظر گرفته شوند.

۶-۱-۶. تقویت بدنه کارشناسی

همان گونه که مرور شد، طی سال‌های گذشته، بخشی از وظایف اصلی س.ا.ا به کارگروه‌ها واگذار شده است. با این حال کارگروه‌ها در انجام مأموریت‌های محول شده چندان موفق عمل نکرده‌اند. همچنین سازمان با کمبود نیروی کارشناس و متخصص مواجه است. بنابراین، ضروری است سازمان برای ارتقای توان کارشناسی خود، از طریق برگزاری آزمون‌های استخدامی یا بهره‌گیری از شیوه‌های دیگر جذب، از جمله به‌کارگیری نخبگان زبده، علاقه‌مند و دارای دغدغه اجتماعی، بدنه کارشناسی خود را تقویت کند.

۱. این شاخص بر امکان بهبود مستمر خدمات از طریق بازنگری و تطبیق دستورالعمل‌های اجرایی با شرایط متغیر تأکید دارد. همچنین با به‌روزرسانی شیوه‌های مداخله بر پایه دانش روز و تجارب عملی، می‌توان سطح کیفی و دامنه اثرگذاری خدمات را به‌طور قابل توجهی افزایش داد.

۲. در برخی برنامه‌ها، می‌توان با تعبیه سطوح خدماتی نوین، جامعیت و اثربخشی مداخله را ارتقا بخشید. به‌عنوان مثال، در حال حاضر در برنامه «تصمیم» صرفاً خدمات مشاوره‌ای به زوجین متقاضی طلاق ارائه می‌شود. با این حال، این برنامه می‌تواند با گنجاندن خدمات مددکاری اجتماعی و ارائه حمایت‌های اجتماعی، لایه‌ای جدید از خدمات را اضافه نماید.

منابع و مأخذ



- [۱] کرمانی، محسن (۱۴۰۲)، «تحلیلی بر تعارضات قانونی نهادهای تنظیم‌گر امور مربوط به مسائل و آسیب‌های اجتماعی در کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۹۵۷۵.
- [۲] کرمانی، محسن و مرتضی گنجی (۱۴۰۲)، «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۳۳): چالش‌های تنظیم‌گری در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۹۰۹۶.
- [۳] خضری، فرشید (۱۴۰۲)، «ارزیابی عملکرد نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان (نماد)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۹۶۳۱.
- [۴] درباره ستاد مبارزه با مواد مخدر، به نشانی:
https://news.dchq.ir/3/?page_id=65956
- [۵] سقاباشی، نیلوفر و فرشید خضری (۱۴۰۴)، «بررسی تطبیقی نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (۱): مطالعه موردی استرالیا»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۱۳۸۲.
- [۶] خضری، فرشید (۱۴۰۵)، «بررسی تطبیقی نظام کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (۲): مطالعه موردی سوئد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۱۴۵۷.
- [۷] سازمان امور اجتماعی، انسجام در مدیریت اجتماعی کشور، دستاوردها و فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات، گزارش (۴). عملکرد ۸ ساله سازمان امور اجتماعی، ۱۴۰۰.
- [۸] سازمان امور اجتماعی کشور. (۱۴۰۴)، اهم اقدامات و فعالیت‌های سازمان امور اجتماعی از بدو تأسیس تا سال ۱۴۰۴.
- [۹] وزارت کشور (۱۴۰۴)، اساسنامه سازمان امور اجتماعی کشور.
- [۱۰] سازمان امور اجتماعی، انسجام در مدیریت اجتماعی کشور، دستاوردها و فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات، گزارش (۵). تاریخ شفاهی سازمان امور اجتماعی، ۱۴۰۰.
- [۱۱] شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۹)، طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ایران، با اولویت اعتیاد، طلاق، کودکان کار و خیابان، حاشیه‌نشینی و مفاسد اخلاقی.
- [۱۲] خضری، فرشید (۱۴۰۳)، «ارزیابی عملکرد مراکز مهر خانواده از منظر پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۲۱۴.
- [۱۳] خضری، فرشید (۱۴۰۴)، «بررسی و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد (۲): ارزیابی فرایند و عملکرد برنامه‌ها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۱۳۶۳.
- [۱۴] گنجی، مرتضی (۱۴۰۳)، «ارزیابی وضعیت و فرایند مراکز موضوع ماده (۱۶) قانون مبارزه با مواد مخدر»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۲۹۸.
- [۱۵] گنجی، مرتضی (۱۴۰۴)، «ارزیابی مراکز موضوع ماده (۱۵) قانون مبارزه با مواد مخدر (۱): مراکز درمان سرپایی اعتیاد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۸۲۲.
- [۱۶] عزت‌آبادی‌پور، حسام، سینا شیخی و محمدتقی ضرغام‌افشار (۱۴۰۲)، «نقش و جایگاه مردمی در نظام تأمین اجتماعی». در مالکی، محمدرضا. الزامات و راهبردهای تحقق سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۷] رزاقی، نادر و بهنام لطفی خاچکی (۱۳۹۷)، «تحلیل جامعه‌شناسی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر رابطه آنها با دولت»، مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۱، صص. ۹۳-۱۲۲.

عنوان: گزارش نظارتی عملکرد سازمان امور اجتماعی کشور در تنظیم‌گری کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی



DOI:

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

علیرغم برخی مزیت‌ها و اقدامات، دستیابی به هماهنگی و هم‌افزایی لازم برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی چندان تحقق نیافته است و هدف تنظیم‌گری در این حوزه همچنان باقی است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir